



# پیام آموزش

دوره جدید | سال ۱۳۹۸  
سال دوم | ۳۲ صفحه | شماره ۳

مؤسسه پژوهشی و فرهنگی کتابخانه ملی  
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

## خواندن توانستن است



کارشناس ارشد  
آقای ولی پور

دکتر  
خانم حسینی خواه

دکتر  
آقای سلامت پناه

دکتر  
خانم ملکی

دکتر  
آقای امامی طهرانی

دکتر  
خانم منیایی پور

دکتر  
آقای جهانگیری

دکتر  
خانم دری

دکتر  
آقای کریمی

بسته‌های آموزشی جایگزین کتاب‌های درسی

تأثیر تحقیقات پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بر سیستم آموزشی

نقش نهادها و دستگاه‌های فرهنگی در ترویج فرهنگ کتابخوانی در مدارس

برنامه درسی ملی و نقش آن در تدوین کتاب فلسفه

نقش زنان در ارتقای فرهنگ مطالعه

چالش کتابخوانی در نظام آموزشی

حرف‌های گری در آموزش و معلمی



علوم انسانی زیب‌بنای توسعه



۱

«مرکز ترویج علوم انسانی» به عنوان پایگاه علمی-تخصصی در حوزه علوم انسانی فعالیت دارد. این مرکز با کادری مجرب و علمی و با هدف ارتقای علوم انسانی میان دبیران، فرهنگیان و اولیای مدارس در چشم‌اندازی وسیع‌تر، میان دانش‌آموزان علاقه‌مند به این رشته بنا نهاده شده است. ما معتقدیم که توسعه کشور منوط به توسعه علوم انسانی است و «مرکز ترویج علوم انسانی» برای عملی ساختن این مهم، فعالیت‌های متنوعی انجام داده است:

- برگزاری ۲۲ همایش تخصصی در جهت ارتقای شیوه تدریس (توسط مولفین کتاب درسی)
- برگزاری کارگاه‌های متن‌خوانی
- برگزاری دوره‌های تخصصی به صورت مجازی

۲

«مرکز ترویج علوم انسانی» در راستای آموزش بهتر علوم انسانی و ارتقای مهارت‌های آموزشی دبیران و مشاوران، داده‌ها و اطلاعات علمی و تخصصی خود را به شیوه‌های زیر ارائه نموده است:

- ماهنامه پیام آموزش ویژه دبیران و اولیای مدارس
- ماهنامه پیام مشاور ویژه مشاوران تحصیلی
- کتابچه تخصصی دروس مختلف رشته علوم انسانی
- تولید بسته‌های فرهنگی و آموزشی دیجیتال (مربوط با متن خوانی)

۳

«مرکز ترویج علوم انسانی» این ویژه‌نامه را به سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اختصاص داد. تمرکز خود را بر ارتباط موضوع کتاب‌خوانی و آموزش و پرورش معطوف کرده است.

«مرکز ترویج علوم انسانی» سلسله نشست‌هایی را با محوریت کتاب‌خوانی و آموزش و پرورش در مصلى امام (ره) با حضور فرهیختگان حوزه‌ی آموزش برگزار کرد.

۴

آنچه پیش‌رو دارید حاصل گفت و گوهای این مرکز با مسئولین، دست‌اندرکاران و مولفین آموزش و پرورش است. علت توجه ما به کتاب‌خوانی در آموزش و پرورش میانگین سرانه‌ی مطالعه در ایران است. افرادی که با عناوین مختلف افتخار میزبانی‌شان را داشتیم موضوع مهم توجه به کتاب را از دیدگاه‌های متفاوت ارزیابی کردند.

۵

ما در این شماره از پیام آموزش عدم توجه به کتاب‌خوانی را مورد واکاوی قرار داده و از همه خوانندگان دغدغه‌مند حوزه کتاب دعوت می‌کنیم با ما در بررسی بنیادین موضوع «کتاب‌خوانی و آموزش و پرورش» همراهی کنند و ما را از نظرات و پیشنهادات خویش بهره‌مند سازند.

[www.workshopday.ir](http://www.workshopday.ir)

تلفن تماس:  
۰۲۱-۶۶۹۶۲۷۴۵



شماره پشتیبانی:  
۰۹۰۳۰۴۱۸۱۴۶



@workshopday\_ir



workshopday3



@workshopday\_ir



pr@workshopday.ir



## فهرست



۵	دکتر محسن بهارلو معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی آموزش و پرورش شهر تهران	خلافت و کارآفرینی
۶	دکتر فرحناز مینایی پور مدیر کل امور زنان وزارت آموزش و پرورش	نقش زنان در ارتقای فرهنگ مطالعه
۸	دکتر کیومرث جهانگردی مدیر آموزش خانواده آموزش و پرورش و سردبیر مجله «بیوند»	کتاب والدین
۱۱	دکتر فرهاد کریمی رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش	تأثیر تعقیبات پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بر سیستم آموزشی
۱۳	مجتبی ولی پوری رئیس انارآه فرهنگی و هنری آموزش و پرورش شهر تهران	نقش نهادها و دستگاه‌های فرهنگی در ترویج فرهنگ کتابخوانی در مدارس
۱۶	دکتر محمود امانی طهرانی مدیرکل سابق دفتر تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه نظری و مشاور علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	بسته‌های آموزشی جایگزین کتاب‌های درسی
۱۹	خانم دکتر فخری ملکی مؤلف کتاب درسی فلسفه	برنامه درسی ملی و نقش آن در تدوین کتاب فلسفه
۲۰	دکتر رضا سلامت پناه مشاور سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی	چالش کتاب‌نویسی در نظام آموزشی
۲۲	دکتر بانته آدزی معاونت آموزش دوره متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران	ترویج فرهنگ مطالعه در علوم انسانی
۲۴	دکتر حسینی خواه رئیس انارآه تکنولوژی و گروه‌های آموزشی شهر تهران و سرگروه‌های آموزشی	حرف‌های گری در آموزش و محلی
۲۶	رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش	مصاحبه با دکتر فرهاد کریمی
۲۸	رئیس انارآه فرهنگی و هنری آموزش و پرورش شهر تهران در خصوص فعالیت‌های این انارآه	مصاحبه با آقای مجتبی ولی پوری

## پیام آموزش

توسعه و ترویج علوم انسانی تخصص ماست



### خواستن توانستن است.

تهیه و تنظیم:

مرکز ترویج علوم انسانی

مدیر پروژه:

مجید بهنام

شورای سیاست‌گذاری:

وحید تمنا - امید شاه کمالی

اعضای هیئت تحریریه:

آرزو مکتوبیان، فاطمه سراج، زینب طاهری

صفحه‌آرا:

فاطمه سخنور

طراح جلد:

زهرا اسکندری

نظرات خود را درباره پیام آموزش به شماره ۰۹۰۳۰۴۱۸۱۴۶ پیامک کنید.



# گزارش تصویری از سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اردیبهشت ۹۸

📍 غرفه مرکز ترویج علوم انسانی.

مصلی امام خمینی (ره) - رواق شرقی - طبقه دوم - بخش سازمانها و نهادها

بازدید مهندس شاه کمالی از  
گرفه مرکز ترویج علوم انسانی



مرکز ترویج علوم انسانی  
در نمایشگاه کتاب میزبان سرگروه  
تاریخ شهر تهران خاتم سعیدیان بود.

حضور دانش‌آموزان مدرسه  
رجایی منطقه چهار به همراه معاون  
آموزشی مدرسه در  
گرفه مرکز ترویج علوم انسانی



اعضای مرکز ترویج علوم انسانی

بازدید آقای وحید تمنا  
از غرفه مرکز ترویج علوم انسانی



آقای دکتر کریمی رئیس پژوهشگاه  
مطالعات آموزش و پرورش در غرفه مرکز  
ترویج علوم انسانی

آقای دکتر خوش خلق سرپرست  
پژوهشکده تعلیم و تربیت در غرفه مرکز  
ترویج علوم انسانی

محسن جوادی رئیس سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی تهران  
و یو جانگ هیان سفیر کره جنوبی



سی و دومین -نمایشگاه- کتاب





## دکتر محسن بهارلو

معاونت توسعه، مدیریت و پشتیبانی آموزش و پرورش شهر تهران



### موضوع نشست: «اخلاقیت و کارآفرینی»

سخنران: دکتر محسن بهارلو، معاونت توسعه مدیریت و

پشتیبانی آموزش و پرورش شهر تهران

زمان: ۷ اردیبهشت ۹۸

علوم انسانی در کشور ما بیش از این‌ها به توجه و حمایت نیاز دارد ولی در این میان از پاشنه آشیل علوم انسانی نباید غافل شد. پاشنه آشیل آن بدین قرار است: پژوهش‌های علوم انسانی بیش از آنکه «بومی و کاربردی» باشند، نوعی «نسخه‌برداری» هستند و در بستر جامعه، علم و دانش خلق نمی‌کنند. در چنین شرایطی علوم مختلف وجه انتزاعی پیدا کرده و کارکرد خود را از دست می‌دهند.

پژوهش‌های علوم انسانی باید برگرفته از داده‌های حقیقی و واقعیات اجتماعی باشد تا افراد و سازمان‌های گوناگون بتوانند از داده‌های دقیق در مطالعات پژوهشی استفاده نمایند. در الگوهای آموزشی بسترهای مطالعاتی با یکدیگر متفاوت‌اند. الگوهای آموزشی یک جامعه باید با عقاید و فرهنگ حاکم بر آن، محتوا و فضای آموزشی، درون‌مایه فکری معلمان و... هم‌سو و هماهنگ باشند و بعضاً جرح و تعدیل شوند. همین امر لزوم بومیابی علوم انسانی را نشان می‌دهد. در عصر امروز با ورود فناوری‌های نوین و تکنولوژی‌های جدید، فاصله بین نسل‌ها کاهش یافته و ممکن است دو نفر با ۵ سال فاصله سنی از یکدیگر بسیار متفاوتی برخوردار باشند. حال شما تصور کنید که قرار باشد در نظام آموزش و پرورش الگوی آموزشی ۵۰ سال قبل را برای دانش‌آموزان امروز پیاده‌سازی کنیم. چنین الگوی تاریخ مصرف گذشته‌ای برای دانش‌آموزان ناکارآمد خواهد بود. پس لازم است که با در نظر گرفتن متغیرهای تأثیرگذار، الگوی آموزشی به‌روزرسانی شود. در کارآفرینی نیز وضع از همین قرار است. چرا که کارآفرینی محور فرصت است و فرصت از تغییر می‌آید. اگر تغییری رخ ندهد، فرصت ایجاد نمی‌شود. بنابراین براساس پژوهش‌های صورت گرفته، فرصت مهیا می‌شود و فرصت‌ها از ما می‌خواهند که تغییر کنیم.

با این مقدمه می‌خواهم بگویم که پژوهش‌های علوم انسانی در جامعه علمی ما «فرصت» ایجاد نمی‌کند و عموماً کلیشه‌ای بیش نیستند. برحسب تجربه می‌گویم که بسیاری از پژوهش‌های دانش‌آموزان و دانشجویان ما ساختگی هستند و پژوهش ساختگی هم نمی‌تواند فرصت مناسب فراهم آورد.

همچنین خدمات و صنعت باید در یک راستا قرار بگیرند و بخش خدمات صنعت را تکمیل نماید. این در حالی است که در کشور ما گاهی نه تنها این دو در راستای هم قرار نمی‌گیرند بلکه اگر آن خدمت حذف شود، بهینه‌تر و عاقلانه‌تر است. به طور نمونه، خیلی از واسطه‌گری‌ها و شاغلان حوزه خدمات بیش از نیاز بازار و مازاد هستند. پس نبود آن‌ها بهتر از بودنشان است.

با این اوصاف، به نظرم ایراد ما از آنجاست که یا دانایی ما کافی نیست یا توانایی ما. ضروری است علم و مهارتی را که در مدرسه و دانشگاه به دانش‌آموزان و دانشجویان می‌آموزیم بررسی نماییم و تبیین کنیم که آیا این دانایی یا خود کارآفرینی به همراه می‌آورد و آیا در بستر جامعه کاربرد پیدا می‌کند یا خیر؟ و آیا فرد با فراگرفتن دانش‌ها و مهارت‌ها می‌تواند به چاره‌جویی و ایده‌یابی دست یابد؟

از یک سوی بخش دولتی هم بیش از این نمی‌تواند توسعه پیدا کند. رقم بودجه هم بیش از این افزایش نمی‌یابد. پس باید اقتصاد گسترش یابد. از سوی دیگر عصر حاضر عصر ابرقهرمان‌ها نیست که یک نفر تمام مشکلات را حل کند و یک نفر از چندین علم آگاه باشد پس کارآفرینی باید به بستر جامعه کشیده شود و افراد زیادی را درگیر کند.

از دیگر مشکلات ما در این حوزه عدم شناخت دانش‌آموزان است. تفکرات قالبی و کلیشه‌ای در رابطه با دانش‌آموزان مانع از پیشرفت است. من همواره از همکاران‌مان در مدارس غیردولتی خواسته‌ام که خلایقیت به خرج دهند و نسخه کپی‌شده مدارس دولتی نباشند و در شناخت دانش‌آموزان و علاقه‌مندی‌های آن‌ها حرفی نوبزنند. اگر قرار باشد همان رویکرد مدارس دولتی را مدارس غیردولتی هم تکرار کنند نه تنها خانواده‌های مطلع و آگاه جذب نخواهند شد بلکه دانش‌آموزان نیز دچار رخوت آموزشی می‌شوند. ولی اگر خلایقیت را جاشنی کار خود کنند و دانش‌آموزان را در مسیر شناخت استعدادها و مهارت‌های خود یاری رسانند، حتی می‌توانند پیشروی بخش دولتی باشند.

به عبارت دیگر اگر دانش‌آموزان نسبت به دانش و مهارت خود شناخت پیدا کنند، فرصت‌ها و محدودیت‌ها را بشناسند و راجع برون رفت از محدودیت‌ها و استفاده از فرصت‌ها را بیاموزند، «خلایقیت و ابتکار» حاصل می‌شود.

در پایان خاطرنشان می‌کنم که لازم است بین نهادها و مراکزی که در حوزه علوم انسانی فعالیت و ایده‌پردازی می‌کنند تعامل صورت بگیرد تا زمینه همکاری متقابل به وجود آید و بتوانیم از دور باطل خارج شویم. چراکه معتقدیم علوم انسانی زیربنای توسعه است.





خانم دکتر فرحناز مینایی پور  
سوابق تحصیلی:  
 ■ کارشناس ارشد مدیریت آموزشی  
 سوابق اجرایی:  
 ■ دبیر کل دفتر امور زنان و خانواده وزارت آموزش و پرورش  
 ■ مدرس دانشگاه آزاد و علمی و کاربردی  
 ■ مدرس دوره‌های کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی  
 ■ دبیر رسمی آموزش و پرورش  
 ■ مدیر پروژه طرح کارآفرینان کوچک و اندیشه‌های بزرگ



موضوع نشست: «تقش زنان در ارتقای فرهنگ مطالعه»

سخنران: فرحناز مینایی پور، مدیرکل امور زنان وزارت آموزش و پرورش

زمان: ۷ اردیبهشت ۹۸

دفتر امور زنان

در دولت، همه وزارتخانه‌ها مشاور امور زنان دارند، اما دو وزارتخانه، دفتر امور زنان دارند؛ یکی وزارت کشور و دیگری وزارت آموزش و پرورش. این امر نشانگر اهمیت حوزه زنان در دو وزارتخانه مذکور است. وزارتخانه‌های دیگر که مشاور امور زنان دارند مسائل مربوط به زنان کارمند حوزه کاری خود را بررسی می‌کنند. دفتر امور زنان، وزارت کشور و وزارت آموزش و پرورش متشکل از یک مجموعه کامل است که در حوزه زنان فعالیت می‌نمایند.

دفتر امور زنان وزارت کشور به تمام امور زنان در وزارتخانه‌های مختلف رسیدگی می‌کند و در خصوص دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش می‌توان گفت: ۴ میلیون کارمند در کل کشور وجود دارد و از این ۴ میلیون یک میلیون آن‌ها «زن» می‌باشند که ۵۰۰ هزار نفرشان کارمندان زن آموزش و پرورش می‌باشند. این بدین معناست که نیمی از کارمندان سراسر کشور در آموزش و پرورش مشغول به کار هستند. کیفیت این ۵۰۰ هزار نفر متفاوت با کارمندان دیگر است؛ این عده عموماً تحصیل کرده بوده و در امر تعلیم و تربیت مشغول به کارند. در خود وزارت آموزش و پرورش نیز که ۹۰۰ هزار کارمند مشغول به کارند، ۵۰۰ هزار نفر آن‌ها «زن» می‌باشند. یعنی به طور تقریبی ۷۵۵٪ تا ۷۶۰٪ درصد از جمعیت کارمندان آموزش و پرورش را زنان تشکیل می‌دهند. از طرف دیگر کشور ما در حدود ۱۴ میلیون دانش‌آموز دارد که ۷ میلیون آن‌ها شامل دانش‌آموزان دختر است. پس ما به‌طور تقریبی با ۷ میلیون دانش‌آموز دختر، ۵۰۰ هزار نفر کارمند زن در آموزش و پرورش و ۴ میلیون کارمند زن در سراسر کشور مواجهیم که همین آمار، اهمیت توجه به امور زنان را هویدا می‌سازد. بخش بزرگی از فعالیت و توجه ما به این ۷ میلیون دانش‌آموز دختر اختصاص می‌یابد؛ در آموزش همگانی آموزش و پرورش، بعضاً میان آموزش دختران و پسران شکاف‌هایی احساس می‌شود که امور زنان وزارت آموزش و پرورش وظیفه رسیدگی به این موضوع را دارد.

شاید این سؤال پیش آید که چرا ما دفتر امور زنان داریم؟ یا اینکه چرا دفتر امور مردان نداریم؟ حتی من در این حوزه مقاله‌ای خواندم که در آن مقاله نوشته شده بود «وزارتخانه‌ای که ۶۰٪ جمعیت آن را زنان تشکیل می‌دهند، چرا باید دفتر امور زنان داشته باشد؟»

پاسخ سؤال در خود سؤال نهفته است؛ با وجود آنکه ۵۰۰ هزار نفر از کارمندان آموزش و پرورش را زنان تشکیل می‌دهند ولی تنها ۷٪ این زنان در سطح مدیریت میانی و ارشد حضور دارند. در بطن همین مسأله شکاف میان زنان و مردان مشهود است که دفتر امور زنان سعی نموده این شکاف را تا حد امکان برطرف نماید.



در زمان وقوع انقلاب اسلامی، پوشش تحصیلی دانش‌آموزان دختر در مقطع ابتدایی پایین‌تر از ۷۵٪ بود و با گذشت ۴۰ سال به ۹۸٪ رسیده است، که مایه خرسندی و مباهات است. همچنین در حال حاضر پوشش تحصیلی دختران در دوره متوسطه اول ۹۲٪ و در دوره متوسطه دوم ۸۰٪ است، که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی مدون می‌باشد.

کاهش پوشش تحصیلی در دوره متوسطه دوم دلایل متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

➤ دشواری‌های رفت و آمد

➤ ازدواج زودهنگام

➤ فرهنگ و رسوم سنتی

➤ عقاید مذهبی خانواده‌ها

➤ عدم دانش و تخصص کافی برخی معلمان روستا:

در بسیاری از روستاهای دورافتاده و محروم ممکن است یک معلم هر ۶ پایه، مقطع ابتدایی را تدریس کند ولی وقتی آن دانش‌آموزان به مقطع متوسطه اول راه می‌یابند درس‌ها تخصصی‌تر می‌گردد و معلم سابق نمی‌تواند همه درس‌ها را تدریس کند. در نتیجه دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل باید به شهر یا حومه شهر عزیمت کنند، همین امر آمار دخترانی که ادامه تحصیل می‌دهند را کاهش داده است. در مقطع متوسطه دوم این مسأله سخت‌تر نیز می‌شود. در این دوره، دختران بسیاری حق ادامه تحصیل پیدا نمی‌کنند و ۲۰٪ آن‌ها از تحصیل محروم می‌مانند. ما در دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش برای دختران آموزش‌های خاصی برنامه‌ریزی و اجرا کرده‌ایم. هم‌چون:

➤ آموزش‌های مربوط به دوران بلوغ که با همکاری دفتر سلامت معاونت تربیت بدنی انجام می‌شود.

➤ آموزش حقوق شهروندی به دختران

➤ آموزش مشارکت اجتماعی دختران، مانند مشارکت در انجمن دانش‌آموزی، سازمان دانش‌آموزی، سازمان جوانان، هلال‌احمر دانش‌آموزی، تعیین نماینده مجلس دانش‌آموزی، بسیج دانش‌آموزی و...

➤ ترویج فرهنگ گفت‌وگو در جامعه با همکاری معاونت زنان ریاست جمهوری

آموزش گفت و گو به دانش‌آموزان در چندین سطح: گفت‌وگو با یک‌دیگر، گفت‌وگو با مدیر و مسئولان مدرسه، گفت‌وگو با شورای شهر، نیروی انتظامی محله و ... صورت می‌گیرد.

یادگیری مهارت گفت‌وگو تأثیرات مفید و جاودانی بر روی دانش‌آموزان دارد که از آن جمله می‌توان به کاهش دعوا و تنش دانش‌آموزان در خانواده، مدرسه و جامعه، افزایش انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان و تحمل عقیده مخالف اشاره کرد.

## آموزش کارآفرینی زنان

۴ شاخص بین‌المللی در سنجش پیشرفت زنان مؤثر است:

آموزشی، بهداشتی، فعالیت‌های سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی

زنان در عرصه آموزشی و بهداشتی به رشد و پیشرفت بسیار خوبی دست یافته‌اند، ولی در عرصه اقتصادی تنها ۱۷٪ از زنان جامعه فعالیت اقتصادی دارند و در عرصه سیاست نیز زنان حضور کم‌رنگ ۷٪ درصدی دارند. این در حالی است که بسیاری از کشورهای همسایه به لحاظ مشارکت سیاسی زنان در مقایسه با ما در وضعیت بهتری به سر می‌برند.

برای رشد و توسعه یک کشور نیاز است که همه افراد جامعه کمک کنند تا کشور به «توسعه پایدار» دست یابد. اگر زنان جامعه را از مشارکت در عمران و آبادی کشور کنار بگذاریم و تنها از نیروی مردان استفاده کنیم، نمی‌توان جامعه زایل می‌شود و نیمی دیگر جامعه باید دو برابر تلاش کنند تا این خسران جبران شود. علاوه بر این، نحوه تفکر زنان و مردان متفاوت است و اگر جامعه را از حضور زنان محروم کنیم به نتایج و دستاوردهای ناقص و غیرقابل تعمیمی دست خواهیم یافت. در مجموع می‌توان گفت در همه پژوهش‌ها و فعالیت‌ها، زن و مرد باید حضور برابری داشته باشند.

کوتاه‌سخن اینکه ما در وزارت‌خانه امور زنان به دختران و زنان این سرزمین می‌آموزیم که هر کشوری برای پیشبرد توان اقتصادی و سیاسی خود هم به زنان و هم به مردان نیازمند است و در همین راستا آن‌ها را توانمند می‌سازیم. مردان و زنان ما باید دوشادوش یک‌دیگر کار کنند تا ایران عزیز به رشد و بالندگی برسد.





## نشست کتاب والدین

دکتر کیومرث جهانگردی  
مدیر آموزش خانواده  
آموزش و پرورش و  
سرمدیر مجله «پیوند»



برای مخاطب‌شناسی لازم است به دو ویژگی توجه شود:  
1. تنوع مخاطب 2. علایق مخاطب

علایق مخاطبان نیز فرصت‌ها و تهدیدهای خود را دارد. نویسنده یا مترجم «کتاب والدین» ممکن است با توجه به تنوع علایق و گستردگی مخاطبان - که از فرصت‌های «کتاب والدین» است - با برخی از علایق آشنا نباشد و در زمان نوشتن کتاب ناخواسته به آن‌ها بی‌توجهی کند.

عوامل گفته شده می‌تواند به نویسنده یا مترجم در تنظیم کتاب «والدین» کمک کند، همچنین نویسندگان نباید فراموش کنند که سرمایه فرهنگی از طریق همین کتاب و کتاب‌خوانی ارتقا پیدا می‌کند. به قول پیر بوردیو، جامعه‌شناس شهیر فرانسوی، «خانواده‌هایی که از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردارند از طریق سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی خود را افزایش می‌دهند و با رشد سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی خود را ارتقا می‌بخشند». بنابراین خانواده‌ها از این طریق جایگاه خود در جامعه را رفعت می‌بخشند. با این توصیف، ناشران و نویسندگان کتاب «والدین» بهتر است که به سرمایه اقتصادی خانواده‌ها نیز توجه کنند و برای آنکه مخاطب خود را از دست ندهند، هزینه‌های چاپ کتاب را کاهش دهند تا بتوانند کتاب خود را با قیمت مناسبی به فروش برسانند. همین عامل به ترویج کتاب‌خوانی در جامعه و بهبود اوضاع نشر نیز کمک می‌کند. سرمایه فرهنگی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در مخاطب‌شناسی است: تحصیلات و آگاهی والدین در سرمایه فرهنگی آن‌ها بسیار اثرگذار است. همچنین کم و کیف استفاده خانواده‌ها از فناوری‌های نوین و تکنولوژی‌های جدید، توجه به هنر و کاربرد آن در زندگی، میانگین مطالعه و کتاب‌خوانی خانواده و... نشانگر سرمایه فرهنگی والدین و خانواده‌ها است.



موضوع نشست: «کتاب والدین»

سخنران: دکتر کیومرث جهانگردی، مدیر آموزش خانواده

آموزش و پرورش و سردبیر مجله «پیوند»

زمان: ۸ اردیبهشت ۹۸

مخاطب کتاب «والدین» چه کسانی هستند؟

«والدین» طیف وسیعی از افراد را شامل می‌شود: از بی‌سوادترین والدین تا تحصیل‌کرده‌ترین آن‌ها. در مخاطب‌شناسی کتاب «والدین» پیچیدگی‌ها و جایگاه رفیع علمی، اقتصادی و سیاسی والدین باید لحاظ شود و برای بیان محتوای مورد نظر از بیان خاصی استفاده شود که برای عموم قابل فهم و استفاده باشد.

پس در پاسخ به پرسش «مخاطب کیست؟»، می‌توانیم بگوییم: مخاطب طیف وسیعی از افراد - اعم از جامعه روستایی و شهری - است و هر فردی که با فرزندش در ارتباط باشد، مخاطب کتاب «والدین» محسوب می‌گردد. موضوع محوری این کتاب‌ها نیز بیش از هر چیز باید «تربیت فرزند» باشد ولی به موضوعات دیگری هم‌چون خانواده، زناشویی، روابط همسران و مسائل مختلف اجتماعی پرداخته می‌شود که در حین تولید محتوا برای این طیف گسترده از مخاطبان باید دقت لازمه را مبذول داشت. از طرفی مطالب نباید به قدری ساده و پیش پا افتاده باشند که برای والدین تحصیل کرده و متخصص بی‌فایده باشند و از طرف دیگر به قدری پیچیده و تخصصی باشد که برای والدین کم‌سواد قابل استفاده نباشد. بنابراین کتابی که می‌نویسیم در عین بهره‌مندی از تازه‌ترین یافته‌های علمی و تربیتی، باید از زبانی ساده و گیرا برخوردار باشد تا مورد استفاده تمامی مخاطبان قرار گیرد.

برخورداری از مخاطبان متعدد به نوعی هم فرصت است و هم تهدید: هر نویسنده‌ای از اینکه برای گستره وسیعی از افراد جامعه کتاب بنویسد و اثرش مخاطب فراوانی داشته باشد لذت می‌برد ولی از طرف دیگر کثرت مخاطبان پیچیدگی‌ها و ظرایف خاص خود را دارد. سرمایه فرهنگی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در مخاطب‌شناسی است: تحصیلات و آگاهی والدین در سرمایه فرهنگی آن‌ها بسیار اثرگذار است. همچنین کم و کیف استفاده خانواده‌ها از فناوری‌های نوین و تکنولوژی‌های جدید، توجه به هنر و کاربرد آن در زندگی، میانگین مطالعه و کتاب‌خوانی خانواده و... نشانگر سرمایه فرهنگی والدین و خانواده‌ها است.



## در این میان باید به ویژگی‌های «کتاب والدین» توجه گردد.

موضوع کتاب: موضوعی که برای والدین در نظر گرفته می‌شود باید متناسب با ارزش‌های خانواده باشد و نیازهای خانواده‌ها را لحاظ کند.

استفاده از ایده صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه در یافتن موضوع مناسب و کاربردی برای خانواده‌ها، ضروری است. چراکه صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت بهتر می‌توانند به نویسنده در انتخاب موضوع کمک کنند. محتوا این مورد به تنهایی نمی‌تواند به نویسنده در تنظیم کتاب «والدین» یاری رساند؛ پس برای کسب نتیجه رضایت‌بخش، انجام یک نیازسنجی غیررسمی لازم است.

به‌طور کلی در خصوص موضوع کتاب «والدین» می‌توان گفت: تمام مسائل مربوط به زندگی اجتماعی و فردی می‌تواند موضوع این کتاب باشد و موضوع اصلی کتاب «والدین» استحکام بنیان خانواده است؛ به عبارتی هر موضوعی که به تقویت نهاد خانواده کمک کند، می‌تواند موضوع مفیدی برای نویسنده باشد.

«تقویت نهاد خانواده» موضوعات بسیاری را شامل می‌شود. از جمله: موفقیت دانش‌آموزان، مسائل ذهنی و روانی فرزندان، تاب‌آوری اجتماعی فرزندان، مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی، بلوغ فرزندان، چگونگی برقراری ارتباط سالم و سازنده و... ولی چنانچه بخواهد رضایت حداکثری مخاطبان را جلب نماید، بهتر است که شناخت کافی از مسائل تربیتی خانواده پیدا کند. مسائل اجتماعی یکی از درون‌مایه‌های کتاب «والدین» است که انتظار می‌رود توجه بیشتری به آن مبذول گردد. به طوری‌نمونه در روزهای اخیر که سیل زندگی بسیاری از خانواده‌ها را تحت تأثیر قرارداد است. ضرورت نوشتن کتابی برای والدین در خصوص سیل و بلایای طبیعی احساس می‌شود. ضرورت تألیف این قسم کتاب‌ها برای والدین این است که خانواده‌ها در چنین شرایطی از تربیت فرزندان خود غافل نشوند و به حوادث و بلایای پیش‌آمده به چشم یک تجربه سخت ولی ارزشمند برای فرزندان بنگرند.

ضرورت توجه به پیشرفت علم و فناوری: والدین و نویسندگان کتاب «والدین» همواره خود را به‌روزرسانی کنند و با آخرین تکنولوژی روز دنیا و فناوری‌های

نوین منطبق گردند. متأسفانه در دیای امروز، فرزندان از پدر و مادرهای خود در استفاده از تکنولوژی‌ها پیشی گرفته‌اند و ضروری است که نویسندگان کتاب «والدین» این موضوع را به خوانندگان خود یادآور شوند و آن‌ها را در جریان فناوری‌های نوین قرار دهند تا شکاف میان والدین و فرزندان عمیق‌تر نگردد. تکنولوژی‌های روز دنیا خودآموز هستند و والدین هرچه که بیشتر با این ابزار کار کنند، شیوه کار کردن با آن را بهتر یاد می‌گیرند.

یک تیر و دو نشان: اگرچه نویسندگان کتاب «والدین» در سطح اول برای پدر و مادرها می‌نویسند ولی در سطوح بعدی با فرزندان

ارتباط برقرار می‌کنند. این موضوع خیر خوشی برای نویسندگانی است که مایل هستند مخاطب وسیعی در گروه‌های مختلف سنی داشته باشند. پس می‌تواند در این حوزه قلم‌زنی کنند.



متخصصان حوزه کتاب



«والدین»: ما نمی‌توانیم به طور دقیق تعیین کنیم که متخصص کتاب «والدین» چه کسانی هستند. از آنجا که موضوعات کتاب «والدین» بسیار وسیع و گسترده هستند کسی نمی‌تواند ادعا کند که من در تمام امور زندگی اجتماعی و فردی تسلط دارم و در نتیجه متخصص کتاب «والدین» می‌باشم. هر کسی از زاویه تخصص خودش می‌تواند برای والدین سخن بگوید و در راستای آگاه‌سازی والدین، یافته‌های علمی و تخصصی را ساده‌سازی کرده و ارائه نماید.

میانگین سواد و



دانش تربیتی والدین از هر صاحب نظر و متخصصی بالاتر است: اگر بین میلیون‌ها والدین که هر کدام در زمینه خاصی تخصص و تجربه دارند، میانگین گرفته شود یقیناً میانگین تجربه و سواد آن‌ها از هر متخصصی بیشتر است. پس نگارنده کتاب «والدین» نباید این جایگاه را فراموش کند.

رویکرد متواضعانه دربرخورد



با مخاطبان: نویسنده کتاب «والدین» باید از نگاه بالا به پایین و بیان آمرانه پرهیز کند، و از آنجا که طیف مخاطبان کتاب «والدین» بسیار محدود است چنین اشتباهی می‌تواند زیان جبران‌ناپذیری بر محبوبیت کتاب و نویسنده وارد آورد. از همین رو پیشنهاد می‌شود که نویسنده، مجموعه آثار خود را با عبارتی همچون: «توصیه می‌شود که...» بهتر است که...» و بیان کند.

چگونگی تدوین محتوا: نگارنده کتاب



«والدین» بهتر است محتوای کتاب خود را به گونه‌ای تنظیم کند که گستره وسیع مخاطبان بتوانند از آن استفاده کنند. برخی والدین ممکن است فرصت مطالعه کتاب ۱۰۰ صفحه‌ای را نداشته باشند، از این رو بهتر است چکیده مطالب را هم به همراه کتاب منتشر کنیم که والدین پرمشغله از خواندن کتاب و اطلاع از محتوای آن محروم نشوند.

تنوع شکل و قالب آثار: در هزاره



سوم، آثاری که تولید می‌شود به کتاب محدود نباشد. وبلاگ، سایت، پادکست، کلیپ، انواع شبکه‌های مجازی، راه‌های خوبی برای انتشار محتواهای تولید شده هستند. نویسندگان کتاب «والدین» می‌توانند از این فرصت‌های متنوع استفاده نمایند و مجموعه آثار خود را در قالب‌های مختلف ارائه کنند.

ژانر کتاب‌های این حوزه «خانواده» است ولی سبک آن بستگی به قلم نویسنده کتاب دارد. در پایان لازم به یادآوری است که ما در تیرماه لغایت ۱۵ خرداد «دومین جشنواره ملی دوسالانه کتاب اولیا و مربیان» را برگزار می‌کنیم و پذیرای آثار نویسندگان، مترجمان و ناشران در حوزه اولیا و مربیان هستیم و از آثار برتر تقدیر و تشکر کرده و متعاقباً برگزیدگان را اعلام خواهیم کرد.



موضوع نشست: «تأثیر تحقیقات پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بر سیستم آموزشی»

سخنران: دکتر فرهاد کریمی، رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

زمان: ۹ اردیبهشت ۹۸

از فعالیت‌های این مرکز می‌توان به مشارکت در پشتیبانی پژوهشی از ایده‌ها و انگاره‌های تحولی و توسعه آموزشی و ارزشیابی طرح‌های آموزش و پرورش و ارائه نتایج پژوهش‌های خود به شورای عالی آموزش و پرورش برای تصمیم‌گیری‌های بهتر و ارزشیابی از کتاب‌های درسی اشاره کرد. از این میان می‌توان به ۲ ایده اشاره کرد:

۱. ایده مدرسه‌محوری

۲. ایده اصلاحات در آموزش و پرورش

مجموعه این فعالیت‌ها باعث شده که پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از جدی‌ترین مراکز در امر پژوهش و امور تربیتی کشور معرفی گردد.

پژوهشگاه علاوه بر این فعالیت‌ها دارای ۴ فصل‌نامه برای انتشار آخرین پژوهش‌های پژوهشگران آموزشی کشور می‌باشد:

۱. فصل‌نامه تعلیم و تربیت (با بیش از صد سال سابقه کار)

۲. فصل‌نامه کودکان استثنایی

۳. فصل‌نامه پژوهشگاه خانواده

۴. فصل‌نامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی

این نشریه‌ها آخرین نتایج پژوهش‌های علمی دانشجویان، پژوهشگران و اعضای علمی پژوهشگاه را ارائه می‌نمایند.

در «پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش» مرکز «مطالعات تیمز و پرلز» برای سنجش توانایی دانش‌آموزان ما در حوزه آموزش ریاضی، علوم و سواد خواندن راه اندازی شده است و بیست و دو سال است که ما در این مطالعات بین‌المللی شرکت داریم. این مطالعات تا به امروز تأثیرات خود را بر نظام آموزشی کشور برجای گذاشته و این تأثیرات مشهود و قابل رؤیت است.

علاوه بر این، پژوهشگاه مطالعات به منزله دبیرخانه شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش امر هماهنگی، برنامه‌ریزی و ساماندهی شورای تحقیقات ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها در سراسر کشور را برعهده داشته و در این زمینه فعال می‌باشد.

پژوهشگاه همچنین مرکز نظریه‌پردازی آموزش و پرورش می‌باشد و تا به امروز چندین کرسی علمی-ترویجی تشکیل داده است.

نباید فراموش کرد که یکی از راه‌های گسترش تحقیقات در آموزش و پرورش بهره‌مندی از ظرفیت‌های معلمان است. طرح معلم-پژوهنده که امسال بیست و دومین سال برگزاری آن است، توانسته معلمان ما را به کارزار پژوهش وارد نماید. با توجه به آمارهایی که ما در اختیار داریم بیش از سیصد هزار معلم-پژوهنده در بیست و دو دوره گذشته در برنامه‌های اقدام‌پژوهی مشارکت کرده‌اند. این آمار، رقم بسیار مناسبی است که قطعاً می‌تواند در ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان ما مؤثر باشد. همچنین گزارش‌های ما نشان می‌دهد که برنامه معلم-پژوهنده در اجرای اهداف خود موفق عمل کرده



## تأثیر مطالعات پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بر سیستم آموزشی

خدمت بر گزار کنندگان این نشست عرض سلام و ادب و احترام دارم و امیدوارم مباحثی که در این جلسه ارائه می‌گردد به «ارتقای وضعیت آموزش» و «تغییر و تحول» آن در کشور کمک نماید.

طبق هماهنگی‌هایی که از پیش صورت گرفت، موضوع این جلسه «تأثیر تحقیقات پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بر سیستم آموزشی» تعیین شد.

شاید بهتر باشد که من در ابتدا معرفی کوتاهی از «پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش» داشته باشم:

«پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش» همانطور که می‌دانید مرکز رسمی پژوهش‌های آموزش و پرورش و اجرای پژوهش‌های تربیتی مربوط به آموزش و پرورش است. ریشه شکل‌گیری این مرکز به این ایده برمی‌گردد که آموزش و پرورش به مثابه یک نظام تأثیرگذار باید دارای مراکز پژوهشی باشد که از استانداردهای لازم برخوردار باشند و نتایج و یافته‌های آن‌ها گره از مسائل پژوهشی آموزش و پرورش باز کند. همان‌گونه که می‌دانید آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد پُرمشغله و گسترده دارای وظایف بسیاری است که آن را از یک دستگاه جدا می‌کند. آموزش و پرورش با توجه به اینکه ۵۰ میلیون مخاطب در سطح کشور دارد و دانش‌آموزان کشور ۱۲ سال از عمر خود را در این نظام سپری می‌کنند عملاً یک نهاد بسیار ارزشمند در کشور محسوب می‌شود. اگر نهادی به بزرگی آموزش و پرورش بخواهد پژوهش‌های علمی خود را به شایستگی پیش ببرد باید دست یاری به سمت مراکز پژوهشی دراز کند.

این ایده بین سال‌های ۶۷ تا ۶۸ با تأسیس شورای تعلیم و تربیت آموزش و پرورش شکل گرفت و پس از آن ۴ پژوهشکده تشکیل شد (پژوهشگاه تعلیم و تربیت، پژوهشگاه خانواده، پژوهشگاه کودکان استثنایی، پژوهشگاه برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی آموزشی و مرکز پژوهشی تبریز) این مراکز وقتی شروع به کار کردند نیاز به انجام بخشی آن‌ها احساس شد تا ضریب تأثیرگذاری آن افزایش یابد.

پژوهشگاه باید بتواند براساس یافته‌های پژوهشی خود خط مشی‌های عملیاتی به آموزش و پرورش پیشنهاد کند. یافته‌های پژوهشی باید به تولید خط مشی و فعالیت‌های اجرایی ختم شود. بر همین اساس «پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش» تأسیس شد تا به این قسم موضوعات پاسخ دهد. این پژوهشگاه از روز اول شکل‌گیری خود تا به امروز فعالیت‌های بسیاری را به انجام رسانده است که من صرفاً به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنم:



است و توانسته در گسترش امر پژوهش در مدرسه تأثیرگذار باشد. ما همچنین برنامه‌ای به نام «مدرسه به مثابه سازمان پژوهش» را اندازی نمودیم تا بتوانیم بحث پژوهش را در مدارس به عنوان اصلی اساسی وارد کنیم. بی‌شک در این برنامه سهم معلمان پژوهشگر و دانش‌آموزان پژوهشگر قابل تأمل است. یکی از برنامه‌های ما برای ترویج فرهنگ پژوهش، طراحی و اجرای مراسم بزرگداشت «هفته پژوهش» است که در جریان آن قرار گرفته‌اید. هر سال دانش‌آموزان پژوهشگر برتر، معلمان پژوهنده برتر، پژوهشگران آموزشی برتر، مدیران پژوهشی برتر، معلم دانشجویان پژوهشی برتر و طرح‌های پژوهشی برتر در مجموعه آموزش و پرورش را شناسایی می‌کنیم و با حضور مقامات کشوری از آن‌ها تقدیر می‌کنیم.

دو مراسم در هفته پژوهش برگزار می‌نمایم:

۱. مراسم روز دانش‌آموز و پژوهش‌های دانش‌آموزی

۲. مراسم روز ملی پژوهش

که این دو مراسم به گسترش و تقویت فرهنگ پژوهش در کشور کمک می‌کنند. بر اساس فرمایشات رهبری به حوزه گام دوم انقلاب وارد شدیم و طبیعتاً گام دوم انقلاب نتایج آموزشی، پژوهشی و تربیتی فراوانی برای ما به همراه دارد و راهکارهای مدونی برای استخراج دلالت‌ها جهت تدوین برنامه‌های پاسخ‌گویی به مطالبات مقام معظم رهبری پیش‌بینی شده است.

برنامه دوم ما در همین چهارچوب، بحث پاسخ‌گویی به نیازهای آموزش و پرورش در حوزه سند تحول بنیادین، زیرنظام‌های سند تحول می‌باشد.

از دیگر برنامه‌های جدید ما کاربست نتایج پژوهش‌های پژوهشگاه در زمینه «تیمز و پرلز» به منظور ارتقای سواد خواندن و توانایی در علوم ریاضی است که برای آن کارگروه ویژه انجام شده و برنامه‌های مفصلی تدوین شده است.

برنامه چهارم پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تمرکز بر مسأله‌های آموزش و پرورش و حل آن‌هاست. می‌دانید که پژوهشگاه تنها پژوهشگاه تعلیم و تربیت کشور است که مأموریت آن وابسته به وزارت آموزش و پرورش است. بر همین مبنا وظیفه ما حل مسائل آموزش و پرورش می‌باشد. ما همچنین برنامه‌های دقیق و مشخصی برای شناخت مهم‌ترین مسأله‌های پژوهشی و پاسخ‌گویی به آن‌ها داریم. شایان ذکر است که ما به عنوان کشوری که در شرایط خاص تحریم به سر می‌برد، نیاز به «دانش بنیانی و پژوهش‌محوری» داریم. می‌توان گفت مهم‌ترین رویکرد ما آن است که پژوهشگاه را به سمتی پیش ببریم که بتواند به آموزش و پرورش در حل مسائل آموزشی یاری رساند. سخن آخر اینکه: ما اگر می‌خواهیم پژوهش‌های آموزشی بر فرایندهای آموزشی تأثیر بگذارد نیازمند تغییر برخی نگرش‌ها هستیم. کاربست پژوهش در نظام آموزش و پرورش یک مدل خطی و یک مدل مبتنی بر پژوهش‌های تحقیق و توسعه‌ای نیست بلکه نیازمند بررسی سایر مدل‌های کاربست در این حوزه است که حداقل هشت مدل بررسی شده و ما باید بتوانیم به فراخور موضوع از آن مدل‌ها استفاده کنیم.

پژوهشگاه در چهارچوب حمایت از سند تحول بنیادین در دو سه سال اخیر موفق شده بیش از ۳۴ پژوهش در حوزه حمایت از راهکارهای سند تحول بنیادین به انجام برساند. همان‌طور که می‌دانید سند تحول

بنیادین ۱۳۱ راهکار دارد که ما در پژوهشگاه مطالعات به ۵۴ راهکار دست‌یافتیم و به لحاظ پژوهشی بسیار در مورد آن جست‌وجو کردیم. پژوهشگاه آموزش و پرورش با توجه به فعالیت‌های متنوع و متعددی که تا به امروز انجام داده جزء مراکز پژوهشی پیشرو در حوزه تعلیم و تربیت کشور است که لازم است این فعالیت‌ها مورد توجه قرار بگیرد.

لازم به ذکر است که پژوهش‌های ما صوماً به دلیل آنکه پژوهش‌های آکادمیک هستند به زمان نیاز دارند و ما برای آنکه بتوانیم به طور سریع‌تر به نیازهای پژوهشی آموزش و پرورش پاسخ دهیم «کارگروه ویژه پژوهش‌های فوری» را طراحی کردیم که آن کارگروه مسئولیت رسیدگی و پاسخ‌دهی به نیازهای پژوهشی آموزش و پرورش را برعهده دارد.

همچنین ما برای پاسخگویی به نیازهای آموزش و پرورش، تعاملات و جلسات مستمر با وزیر محترم آموزش و پرورش و رؤسای آموزش و پرورش برگزار می‌کنیم و از درون این تعاملات، اولویت‌های پژوهشی را استخراج کرده و حول آن‌ها به بررسی و پژوهش می‌پردازیم.

در ادامه نشست ایرج خوش‌خلق، سرپرست پژوهشگاه تعلیم و تربیت، به «اهمیت پژوهشگاه به عنوان یک مرکز علمی» اشاره کرد و گفت:

اگر به تعلیم و تربیت به عنوان یک سیستم نگاه کنیم که درون‌داده‌ها و پیامدها و خروجی‌های خاص خود را دارد، چنین سیستمی بدون پژوهشگاه نمی‌تواند به مسیر خود ادامه دهد. چراکه این سیستم نیاز دارد مسائل خود را به صورت علمی حل کند و این امر از کارکردهای پژوهشگاه است. پس این سیستم برای بررسی مسائل به پژوهشگاه نیاز میرم دارد.

در مرحله بعدی برای تأمین نیازها و پاسخ‌دهی علمی به مسائل باید برنامه‌های مشخص تدوین گردد. به طور مثال برنامه‌های درسی جزء درون‌داده‌های این سیستم است. بی‌شک بدون پژوهش‌ها و داورهای علمی نمی‌توان برنامه مناسبی برای سیستم تدوین کرد و اگر هم بدون این دو معیار برنامه‌ای تنظیم شود، علمی نخواهد بود. ارزشیابی اثربخشی برنامه‌های تدوین شده از دیگر کارکردهای پژوهشگاه است. در این مرحله، پژوهشگاه میزان اثربخشی برنامه‌های اجرا شده را می‌سنجد.

پژوهشگاه در همین راستا موظف است که ساماندهی پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را برعهده بگیرد. یکی از کمک‌های مهم پژوهشگاه کمک به فهم و آشنایی هرچه بهتر با «سند زیر نظام پژوهش و ارزشیابی» است. می‌توان کارگاه‌های آموزشی مشترک با پژوهشگاه برگزار نمود که این سند به افراد داخلی و بیرون از نظام آموزش و پرورش شناسانده شود.

من در پایان این نکته را هم اضافه کنم که در پژوهشگاه تعلیم و تربیت که من عهده دار آن هستم سه گروه فعالیت دارند:

۱. گروه پژوهشی سلامت روانی و تربیت بدنی

۲. گروه پژوهشی اقتصاد و تأمین نیروی انسانی

۳. گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی

## نقش نهادها و دستگاه‌های فرهنگی در ترویج کتاب خوانی در مدرسه

### مجتبی ولی‌پوری

رئیس اداره فرهنگی هنری، اردوها و فضاهای پرورشی  
شهرستانهای استان تهران



دوست دارید فرزندان کتاب‌خوان شود از خودتان شروع کنید و تا زمانی که خودتان یا کتاب مانوس شدید انتظار نداشته باشید که فرزندان به کتاب‌خوانی علاقه‌مند شود.

وضعیت اقتصادی خانواده‌ها عامل دیگری است که بر فرهنگ کتاب‌خوانی فرزندان اثرگذار است. من انکار نمی‌کنم که ممکن است خانواده‌ای از نظر مالی ضعیف باشد ولی فرزند آن‌ها کتاب‌خوان و درس‌خوان شود. منتها این مسأله عمومیت کمتری دارد پس در مجموع می‌توان گفت که نقش خانواده در شکل‌گیری روحیه کتاب‌خوانی فرزندان بسیار تأثیرگذار است. مرکز ترویج علوم انسانی که در حوزه علوم انسانی فعالیت می‌کند و امید به ارتقای علوم انسانی در کشور دارد، باید از نهاد «خانواده» شروع کند. اگر دقت کرده باشید هنوز هم در بسیاری از خانواده‌ها، والدین ترجیح می‌دهند که فرزندشان تجربی یا ریاضی بخواند، پس با وجود چنین تفکراتی علوم انسانی رشد نخواهد کرد. با این اوصاف ضروری

موضوع نشست: «نقش نهادها و دستگاه‌های فرهنگی در

ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در مدارس»

سخنران: مجتبی ولی‌پوری، رئیس اداره فرهنگی و هنری

آموزش و پرورش شهر تهران

زمان: ۱۰ اردیبهشت ۹۸

موضوع این نشست «نقش نهادها و دستگاه‌های فرهنگی در ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در مدارس» است. یکی از بزرگ‌ترین آرزوها و دغدغه‌های ما حرکت به سمت جامعه‌ای کتاب‌خوان است که سرانه مطالعه در آن بیش از امروز باشد. چراکه سرانه مطالعه در هر کشوری یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی است که در این امر دو دسته از عوامل مؤثرند:

عوامل داخلی، عوامل داخلی برخاسته از نظام آموزش و پرورش و دانش‌آموزان هستند.

عوامل بیرونی، عوامل بیرونی نیز متأثر از دولت، رسانه‌ها و... هستند. خانواده‌ها و فرهنگ خانواده‌ها در شکل‌گیری عادت کتاب‌خوانی دانش‌آموزان بسیار تأثیرگذار هستند. پدری و مادری که اهل مطالعه و تدبیر هستند، عموماً فرزندان کتاب‌خوان و دغدغه‌مندی پیدا می‌کنند. والدینی که با عبور از خیابان انقلاب به کتاب‌فروشی‌ها سر می‌زنند و کتاب‌ها را تورق می‌کنند و بخشی از درآمد ماهیانه خود را به خرید کتاب اختصاص می‌دهند، به طور غیرمستقیم روحیه کتاب‌خوانی را در فرزندان خود پرورش می‌دهند.

من یادم می‌آید روزی یکی از آشنایان ما به من گفت: من نمی‌دانم چرا فرزند من مثل پسر شما مشتاق مطالعه نیست و وقت خود را با کتاب‌خوانی پُر نمی‌کند. خیلی هم بر این مسأله اصرار داشت و بر سر این موضوع بحث می‌کرد. بالاخره یک بار به او گفتم: شما اگر

است که همه ما در درجه اول برای خانواده‌ها برنامه‌ریزی کنیم و بدانیم که تغییرات کلان از نهاد خانواده آغاز می‌شود.

عامل دیگری که در کتاب‌خوانی دانش‌آموزان نقش دارد، مدارس و نظام آموزشی است. این بخش از گفته‌های من نوعی خودزنی است: من به عنوان عضوی از نظام آموزش و پرورش با طرح این موضوع روی انتقاد با آموزش و پرورش است. «کنکور» یکی از دلایل ضعف کتاب‌خوانی در میان دانش‌آموزان است که نیازمند چارچاندیشی می‌باشد. حجم کتاب‌های درسی مانع از این می‌شود که دانش‌آموزان به دنبال کتاب‌خوانی متفرقه بروند.

روش تدریس در مدرسه باید به گونه‌ای باشد که معلم سرفصلی را تعیین کند و طبق آن سرفصل از دانش‌آموزان تحقیق و پژوهش بخواهد. ولی ما معلم را مجبور می‌کنیم که تا پایان سال تحصیلی کتاب درسی را به‌طور کامل تدریس کند و طبق این روش معلم نمی‌تواند به دانش‌آموزان فرصت تحقیق و پژوهش بدهد. با این روش معلم و دانش‌آموز هر دو از خلاقیت، ابتکار، پرسش‌گری و کتاب‌خوانی فاصله می‌گیرند. از دیگر عوامل تأثیرگذار در این زمینه اعتبارات و بودجه آموزش و پرورش است. ۹۸/۵ درصد از بودجه‌ای که به آموزش و پرورش اختصاص می‌یابد صرف حقوق پرسنل آموزش و پرورش می‌شود. با مابقی آن بودجه، ما باید مدرسه بسازیم، برنامه‌ریزی کنیم و... که این امر غیرممکن است.





ورود نهادهای دیگر برای کمک به آموزش و پرورش در جهت تجهیز کتابخانه‌ها ضروری است چراکه آموزش و پرورش با وضعیت موجود به تنهایی نمی‌تواند این مشکل را مرتفع کند.

البته با وجود این مشکلات خوشبختانه مدرسی یافت می‌شوند که خلاقانه به دنبال ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و برگزاری نشست‌های نقد کتاب و فیلم می‌باشند.

همچنین خوشبختانه به دلیل مشکلات گفته شده از کتابخانه‌های مدارس «کتابدار» حذف گردیده است که قدم خوبی برای ترویج کتاب‌خوانی است ولی از این بهتر هم ممکن است: به طور نمونه در کتابخانه مدارس به دانش‌آموزان کتاب به امانت داده نشود بلکه به فراخور نیاز دانش‌آموزان کتاب به آن‌ها اهدا گردد.

اگر هدف ما ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در میان دانش‌آموزان باشد نباید روی مسائلی همچون بازگرداندن کتاب‌ها به کتابخانه مدرسه حساس باشیم چه بهتر که در راهروی مدارس قفسه‌های کتاب قرار گرفته باشد و دانش‌آموزان بدون نیاز به کتابدار کتاب مورد نظر خود را بردارند و اگر هم به آن نیاز داشتند دیگر آن را به کتابخانه برنگردانند.

عامل بعدی که هم می‌تواند از عوامل بیرونی و هم از عوامل درونی باشد، کتابخانه‌های عمومی است. شاید شما نیز تا به امروز دقت کرده باشید در ورود به کتابخانه نخستین موردی که جلب توجه می‌کند نحوه برخورد کتابدار یا درخواست‌کنندگان است: متأسفانه بیشتر کتابدارهای ما خوش‌اخلاق نیستند که همین نحوه برخورد تأثیر منفی بر دانش‌آموزان می‌گذارد. کتابدار باید از روش‌های برانگیختن دانش‌آموزان برای کتاب‌خوانی آگاه باشد. به‌طور نمونه می‌توان با برگزاری شب‌شعرها، نقد کتاب‌ها، سلسله جلسات کتاب‌خوانی، داستان‌نویسی و خلاصه‌نویسی در کتابخانه، دانش‌آموزان را به مطالعه بیشتر سوق داد.

در کتابخانه‌های ما استانداردهای موجود در تهیه منابع و کتب لحاظ نمی‌گردد و کتابخانه‌ها به روز نیستند و فاقد منابع معتبر و جدید می‌باشند. هر کتابی پیش از آنکه وارد کتاب‌فروشی‌ها شود باید چند نسخه از آن در اختیار کتابخانه‌های شهر قرار گیرد. ولی در عمل سال‌ها از ورود کتابی به بازار کتاب می‌گذرد که بالأخره به کتابخانه راه می‌یابد. همچنین ضعف ارتباطی کتابخانه‌ها با مدارس از جمله عواملی است که مانع ترویج کتاب‌خوانی در دانش‌آموزان می‌گردد. به نظر شما کتابخانه‌ها تا چه اندازه به سمت مدارس برای جذب دانش‌آموزان رفته‌اند؟ به نظر من این اتفاق خیلی کم و شاید صفر درصد محقق شده است و نیاز به پیگیری‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد. در خصوص نهاد کتابخانه‌ها، بخشی از مسأله به ما برمی‌گردد: وزیر محترم آموزش و پرورش عضو هیأت امنای

نهادهای کتابخانه در سازمان فرهنگی هنری شهرداری است. حضور ایشان در هیأت امنای نهادهای کتابخانه بسیار می‌تواند تأثیرگذار باشد. انتظار ما به‌عنوان یک معلم این است که ایشان در این زمینه پیگیری بیشتری داشته باشند و از این فرصت برای ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی استفاده کنند. مرکز ترویج علوم انسانی که در حوزه علوم انسانی فعالیت می‌کند و امید به ارتقای علوم انسانی در کشور دارد، باید از نهاد «خانواده» شروع کند. اگر دقت کرده باشید هنوز هم در بسیاری از خانواده‌ها، والدین ترجیح می‌دهند که فرزندشان تجربی یا ریاضی بخواند. پس با وجود چنین تکراری علوم انسانی رشد نخواهد کرد. با این اوصاف ضروری است که همه ما در درجه اول برای خانواده‌ها



برنامه‌ریزی کنیم و بدانیم که تغییرات کلان از نهاد خانواده آغاز می‌شود. عامل دیگری که در کتاب‌خوانی دانش‌آموزان نقش دارد، مدارس و نظام آموزشی است. این بخش از گفته‌های من نوعی خودزنی است: من به عنوان عضوی از نظام آموزش و پرورش با طرح این موضوع روی انتقاد با آموزش و پرورش است. «کتکوره» یکی از دلایل ضعف کتاب‌خوانی در میان

دانش‌آموزان است که نیازمند چاره‌اندیشی می‌باشد. حجم کتاب‌های درسی مانع از این می‌شود که دانش‌آموزان به دنبال کتاب‌خوانی متفرقه بروند.

روش تدریس در مدرسه باید به گونه‌ای باشد که معلم سرفصلی را تعیین کند و طبق آن سرفصل از دانش‌آموزان تحقیق و پژوهش بخواهد. ولی ما معلم را مجبور می‌کنیم که تا پایان سال تحصیلی کتاب درسی را به‌طور کامل تدریس کند و طبق این روش معلم نمی‌تواند به دانش‌آموزان فرصت تحقیق و پژوهش بدهد. با این روش معلم و دانش‌آموز هر دو از خلاقیت، ابتکار، پرسش‌گری و کتاب‌خوانی فاصله می‌گیرند.

از دیگر عوامل تأثیرگذار در این زمینه اعتبارات و بودجه آموزش و پرورش است. ۹۸/۵ درصد از بودجه‌ای که به آموزش و پرورش اختصاص می‌یابد صرف حقوق پرسنل آموزش و پرورش می‌شود. با مابقی آن بودجه، ما باید مدرسه بسازیم، برنامه‌ریزی کنیم و... که این امر غیرممکن است.

ورود نهادهای دیگر برای کمک به آموزش و پرورش در جهت تجهیز کتابخانه‌ها ضروری است چراکه آموزش و پرورش با وضعیت موجود به تنهایی نمی‌تواند این مشکل را مرتفع کند. البته با وجود این مشکلات خوشبختانه مدرسی یافت می‌شوند که خلاقانه به دنبال ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و برگزاری نشست‌های نقد کتاب و فیلم می‌باشند.





تغییری نیاز است که از کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی آغاز کنیم. حال اگر بخواهیم از عوامل بیرونی مؤثر در این امر سخن بگوییم، می‌توانیم به نقش دولت و رسانه‌های گروهی اشاره کنیم و یا توجه به اعتباری که نهاد آموزش و پرورش در هر کشوری دارد، ضروری است که دولت و رسانه ملی با این نهاد همکاری کنند. البته تا به امروز اقدامات خوب و مفیدی هم صورت گرفته است، به طور نمونه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا وزارت آموزش و پرورش تفاهم‌نامه‌ای امضا کرده است مبنی بر این که سالانه یک و نیم میلیارد کتاب برای مدارس هدیه بگیرد. امسال برای کتاب‌های مناطق سیل‌زده هم بودجه اختصاصی در نظر گرفته شده است که جای تشکر و قدردانی دارد.

موضوع میزبانی کتاب‌ها هم مسأله قابل بحثی است که جا دارد همین‌جا در مورد آن گفت‌وگو شود. میزبانی کتاب‌ها متأسفانه کاملاً سلیقه‌ای انجام می‌گیرد و هرچنانچه که روی کار می‌آید برحسب معیار و سلیقه خود به میزبانی کتاب‌ها می‌پردازد. به عقیده من میزبانی کتاب باید در خصوص نوع کتاب‌های در دست چاپ سخت‌گیری کند نه در جهت ممانعت برای انتشار کتاب. اگر میزبانی درست اعمال شود و مسئولین امر به درستی وظیفه خود را انجام دهند دانش‌آموزان ما به کتاب‌خوانی و مطالعه هدشند سوق پیدا می‌کنند.

نقش رسانه‌ها در این مسأله بسیار اساسی است. در کشورهای توسعه‌یافته از طریق رسانه به اشکال مختلف مفاهیم آموزشی را به نوجوانان و جوانان خود می‌آموزند. من همیشه به این مسأله فکر می‌کنم که چرا در فیلم‌ها، سریال‌ها و کارتون‌های ما قهرمان داستان کسی نیست که اهل کتاب‌خوانی و مطالعه باشد و در طول فیلم یا سریال مشغول بودن قهرمان داستان با کتاب مکرراً نمایش داده نمی‌شود؟ متأسفانه رسانه‌های ما در این زمینه وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهند و دغدغه ترویج کتاب‌خوانی ندارند.

شورای آموزش و پرورش که در هر استان در رأس آن «استاندار» قرار می‌گیرد، شورای تأثیرگذاری است که می‌تواند دستگاه‌های ذی‌ربط را ملزم به همکاری کند. از دیگر مواردی که می‌تواند به آموزش و پرورش در ترویج کتاب‌خوانی کمک کند، خیرین و مؤسسه‌های خیریه هستند. تا به امروز خیرین کمک بسیار ارزشمند و مفیدی در ساخت مدارس به آموزش و پرورش کرده‌اند تا آنجا که امسال بیش از ۴۰ درصد مدارس ساخته شده از طریق خیرین عزیز صورت گرفته که جای تقدیر دارد. من از خیرین خواهش‌م‌کنم که در ساخت کتابخانه‌ها و ترویج کتابخانه‌ها نیز با ما همکاری کنند.

به امید روزی که دغدغه کتاب‌خوانی دانش‌آموزان در کشور برطرف شود و اشتیاق به مطالعه کتاب در دانش‌آموزان و جوانان ما بیش از پیش افزون گردد.



Telegram

این شماره را در موبایلتان ذخیره کنید و در تلگرام به ما پیام بدهید.

۰۹۳۰۴۱۸۱۲۶

کانال رسمی مرکز ترویج علوم انسانی

@workshopday\_ir

**چند پیشنهاد در سطوح کلان برای ترویج فرهنگ کتابخوانی وجود دارد که می‌توان به آن اشاره کرد:**

یکی از آن‌ها ترسیم چشم‌انداز، هدف‌گذاری و سیاست‌های کلان برای ترویج فرهنگ مطالعه و نزدیک کردن اهداف آموزشی و ترویجی میان آموزش و پرورش و کتابخانه‌های عمومی شهر و توافق نظر در رابطه با اهداف مشترک است: به عبارت دیگر کتابخانه‌های عمومی شهر باید خود را به‌عنوان یک بازوی کمکی برای آموزش و پرورش ببینند و خود را ملزم به یاری‌رسانی در امر ترویج کتابخوانی کنند. مناطق مختلف آموزش و پرورش نیز می‌توانند با کتابخانه‌های محل، قرارداد همکاری منعقد کنند و نشست‌های مشترک تشکیل دهند که این اقدامات در سوق دادن دانش‌آموزان به کتاب‌خوانی مؤثر خواهد بود. در این میان نقطه تمرکز ما باید بر روی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی باشد. امروزه این فرض مسلم شده است که برای ایجاد هر







## دکتر محمود امانی طهرانی

### سوابق تحصیلی:

- کارشناسی فیزیک
- کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی
- دکترای آموزش علوم

### سوابق اجرایی:

- مدیرکل دفتر تالیف کتابهای درسی از ۱۳۹۲
- عضو کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی
- عضو شورای برنامه ریزی دانشگاه فرهنگیان
- عضو کمیسیون های تخصصی شورای عالی آموزش و پرورش
- عضو شورای سیاستگذاری تولید انتشارات مدرسه
- موافک کتابهای درسی علوم تجربی وزارت آموزش و پرورش
- عضو گروه مطالعه و تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
- عضو گروه مطالعه و تدوین برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران
- مسئول شورای برنامه‌ریزی درسی گروه علوم تجربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی،
- مدرس دوره های تامین مدرس آموزش ضمن خدمت
- مدرس دوره های تخصصی بین المللی برنامه ریزی درسی و آموزش علوم
- دبیر شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیر پروژه تألیف کتابهای درسی افغانستان در جمهوری اسلامی ایران.
- عضو انجمن علمی مطالعات برنامه درسی ایران
- مدیر دبستان
- مدیر دبیرستان
- معلم علوم تجربی دوره راهنمایی و فیزیک دبیرستان

موضوع نشست: بسته‌های آموزشی جایگزین کتاب‌های درسی

سخنران: محمود امانی طهرانی، مدیرکل سابق دفتر تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه نظری و مشاور علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

زمان: ۱۰ اردیبهشت ۹۸

ما در ده سال گذشته شاهد حرکت جدی و جاندارانه در باب تولید اسناد آموزشی بودیم. سند تحول بنیادین، مبانی نظری تحول بنیادین، سند مهندسی فرهنگی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ شده، سند توسعه جامع علمی کشور، اسناد برنامه درسی ملی و اهداف دوره‌های درسی از جمله این اسناد هستند. حال سؤال اینجاست که آیا این اسناد به خودی خود اسناد خوبی هستند؟ در دنیای امروز و با ارزش‌های آکادمیک موجود، این اسناد محلی از اعراب دارند؟ پاسخ بسیاری از صاحب‌نظران این است که این اسناد به لحاظ نظری نمره خوبی می‌گیرند، اما بلافاصله این



سؤال مطرح می‌شود که این اسناد در مدارس چه تأثیری دارند؟ اگر ما امروز می‌بینیم که این اسناد در تغییر حال معلمان و دانش‌آموزان تأثیری نداشته‌اند، ناشی از چیست؟

من معتقدم تأثیرگذاری این اسناد از راه آگاهسازی تک تک مجریان یا بندهای اسناد، عبور نمی‌کند. بلکه این اسناد، وقتی در آموزش و پرورش تأثیرگذارند که بین این اسناد و مدارس، پل ارتباطی شکل بگیرد که در نتیجه آن مفاهیم به محصولات مورد نیاز مدارس تبدیل شوند. مدرسه نیازمند این است که این اسناد مبنای تولیدات آموزشی از جنس بسته‌های آموزشی قرار گیرند. برای درک بهتر این موضوع مثالی می‌زنم. اگر شما عملکرد شرکت اسباب بازی «لگو» (Lego group) نام یک شرکت دانمارکی تولیدکننده اسباب بازی است که سال‌ها است به عنوان یکی از پیشروترین طراحان و تولیدکنندگان اسباب بازی در این صنعت فعالیت دارد) را در چند دهه اخیر بررسی کنید، خواهید دید که لگو ابتدا یک شرکت اسباب‌بازی سازی بوده است، اما در یک دوره این شرکت چرخش ماهوی کرد و به Lego education تبدیل شد و بسته‌هایی برای آموزش ریاضی، علوم و زبان طراحی و اجرا کرد. بسته‌هایی با مقداری ابزارآلات فیزیکی، طرح درس، متن آموزشی و مفاهیمی که باعث آموزش عمیق‌تر، کاربردی‌تر، جذاب‌تر و تسهیل شده‌تر همراه با کار فردی و گروهی می‌شوند. نکته اینجا است که لگو با تئوری‌های منحصر به خود این بسته‌های آموزشی را ارائه می‌دهد. من معتقدم امروز ما هم باید با تئوری‌های خودمان، بسته‌هایی را در سطح مدارس و به صورت ساختاری و زیربنایی طراحی و اجرا کنیم. یعنی در صدد آن باشیم که یک جریان حرفه‌ای و جدی برای تولید بسته‌های آموزشی مبتنی بر حجم عظیم پشتوانه نظری آموزش و پرورش خودمان شکل گیرد.



شما حتماً نام «ماریا مونتِه سوری» را شنیده‌اید (ماریا مونتِه سوری، پزشک ایتالیایی و سرپرست یکی از مراکز کودکان معلول و بیمار در این کشور بود. او در حین کار در آن مرکز متوجه برنامه‌های آموزشی و تربیتی کودکان شد و دریافت که فرصت آزاد برای تجربه کردن به آنان داده نمی‌شود. چون علاقه داشت در این زمینه کاری انجام دهد به دانشگاه بازگشت و در رشته تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی تحصیل کرد و با الگوها و روش‌های آموزشی آشنا شد. سپس به‌جای برنامه‌های آموزشی موجود، الگوی جدیدی برای بچه‌ها ارائه داد که مبتنی بر آزادی‌های بیشتر بود). دغدغه او ابتدا عدالت آموزشی بود. چون تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که بچه‌های اقشار ضعیف‌تر از پیشرفت تحصیلی کمتری برخوردارند. تعلیمات مونتِه سوری هم به گونه‌ای بود که بچه‌های محروم از خدمات آموزشی بهتری بهره‌مند شوند.

با توجه به زمینه‌گفته شده امروز شاهد آن هستیم که تعدادی کمیابی و صنعت کار در امر تعلیم و تربیت وارد شده‌اند و بسته‌هایی را در شش زمینه علوم، ریاضیات، سبک زندگی، زبان، فرهنگ (شامل تاریخ، جغرافیا و آداب و سنن فرهنگی) و هنر ارائه می‌کنند. این بسته‌ها سبب می‌شوند بچه‌های تحت تعلیم بعد از اجرای آن، چارچوب شناختی‌شان تغییر کند. یعنی یادگیری مؤثر اتفاق می‌افتد.



در حال حاضر ما دو تعریف از معلم داریم. یکی معلمی که از اول سال، صفحه به صفحه کتاب را تدریس می‌کند و نقطه مقابل معلمی است که خودش طراح موقعیت‌های آموزشی و برنامه‌ریز درسی است، اما تعداد این معلمان بسیار اندک‌اند. معلمی که در بسته آموزشی اشاره شده مد نظر ما است، بین این دو طیف قرار دارد.

آموزش معلم در این معنا از طریق این بسته‌ها آغاز می‌شود. او «معلم حرفه‌ای» است که روی اجرای بسته‌ها، حرفه‌ای عمل می‌کند، یعنی معلمی که مهارت لازم را در اجرای بسته‌ها دارد کسی که روان‌شناسی رشد می‌داند، کسی که قصه‌گویی می‌داند، کسی که روان‌شناسی علم و هنر می‌داند و اصلاً گواهینامه تأیید صلاحیت

اجرای بسته‌های آموزشی را دارد در شیوه‌های سنتی تدریس، معلم کسی است که بدون کتاب درسی نمی‌تواند کلاس درس را پیش ببرد. ولی تعریف معلم در روش تدریس نوین تغییر می‌کند. در این تدریس، معلم کسی است که بدون کتاب درسی هم می‌تواند کلاس را پیش ببرد و مفاهیم آموزشی را به دانش‌آموزان منتقل کند.

## معلم حرفه‌ای

با اشاره به نقش معلمان در اجرای این بسته‌ها می‌توان گفت: معلم مدرسه در اینجا کسی است که بسته‌های آموزشی می‌تواند در مؤثرتر شدن آموزش به او کمک کنند. در این صورت تعریف معلم دچار یک تغییر جدی می‌شود.

## پدید آوردن موقعیت‌های یادگیری

بسته‌هایی که من از آنها صحبت می‌کنم در واقع الآن هنوز موجود نیستند. بلکه من از نیازی صحبت می‌کنم که نیازمند تولید آن هستیم. اگر چنین اتفاقی افتاد، مدرسه خوب، یعنی مدرسه‌ای که موقعیت‌های یادگیری را به خوبی برای دانش‌آموزان پدیدار می‌سازد. ما هنوز به دنبال این الگو نرفتیم، اما باید به دنبال موقعیت‌های یادگیری طراحی شده‌ای باشیم که پشتش یک دنیا کار کارشناسی نهفته است که وقتی وارد مدرسه می‌شود، فرایند یادگیری را تسهیل کند. در این صورت، ما منظومه جدیدی از تولید تدریس و پشتیبانی خواهیم داشت و شاهد رشد بچه‌ها به جای یادگیری صوری خواهیم بود چون نهایت هدف این الگو، یادگیری مؤثر و نه یادگیری ظوطی‌وار است.

با این ترسیم جدید از فضای آموزشی، دانش‌آموزان هنگام ورود به مدرسه یا سه کتاب کلی فارسی، علوم و ریاضی مواجه نیستند بلکه درگیر یک طرح درسی می‌شوند که دیدن فیلم بازی کردن، گفتگو کردن و قصه شنیدن همه جزو آن هستند و یک سیر یادگیری را شامل می‌شود که بعد از اجرای آن دانش‌آموز به لحاظ رشدی، تفاوت زیادی خواهد یافت. باید خانواده‌ها این استانداردها را بشناسند و انتظارات واقعی از تعلیم و تربیت داشته باشند. این بسته‌ها باید بخش‌هایی تحت عنوان تجویزی، نیمه تجویزی و غیرتجویزی یعنی اختیاری داشته باشند. مدرسه در بین این موجودها یک حق انتخاب دارد که در مجموع از این بخش‌ها، برنامه‌ای تحت عنوان برنامه ویژه مدرسه یا «بوم» پدید می‌آید.

امسال وزیر آموزش و پرورش هم ابلاغ کرد که تمامی مدرسه‌ها دوساعت در هفته مجازند خودشان دست به تولید و انتخاب محتوای آموزشی بزنند. بسته‌های کنونی همه متصل به کتاب‌های درسی‌اند. بسته‌های مدنظر من ناظر به کتاب درسی نیستند و ناظر بر اهداف درسی‌اند. در این مدل پیشنهادی تقریباً روزگار کتاب با مدل‌های آزمون و تست سیری می‌شود. این کتاب‌ها در حال حاضر نیاز افراد را برآورده نمی‌کنند. فقط به مدد آزمون و تست همچنان پابرجا هستند. اگر با این دید پیش برویم که باید در کشور اتفاق مثبتی بیفتد، قطعاً باید از جنس بسته‌های آموزشی باشد که از آن صحبت شد. باید با امیدواری به سوی تهیه و اجرای این بسته‌ها پیش رفت.

بسیاری از نظام آموزشی موفق امروز دنیا در یک زمانی که خیلی هم دور نیست با مشکلات زیادی مواجه بودند. مثلاً فنلاند که امروز یکی از پیشروترین نظام‌های آموزشی دنیا است و من از نزدیک آن را لمس کرده‌ام، زمانی در دهه ۷۰ میلادی، مشکلات زیادی داشت. اما در یک فاصله ۳۰ ساله به بهترین نظام آموزشی جهان تبدیل شد. جالب آنکه، همین کشور با وجود تمامی موفقیت‌ها باز هم در سال ۲۰۱۴ اصلاح مجددی را در نظام آموزشی خود رقم زد تا بهتر از آنچه هست، باشد. به همین دلیل معتقدم که اگر اصلاح نظام آموزشی را به یک جریان فکری و مطالبه عمومی تبدیل کنیم، حتماً موفق خواهیم شد.

از طرف دیگر با توجه به چرایی غفلت از تهیه بسته‌های آموزشی این بحث را می‌توان چنین جمع‌بندی و پایان داد که متأسفانه آموزش و پرورش ما به دلیل بسیاری مسائل حاشیه‌ای و بارهایی که اصلاً به دوش کشیدن آن وظیفه دستگاه تعلیم و تربیت نیست، به اندازه‌ای درگیر شده که پرداختن به مباحث مهم در آن به فراموشی سپرده شده است. ما یا بحث عدالت آموزشی که در موضوع بسته‌های آموزشی به دنبال آن هستیم، فاصله زیادی داریم. در بسیاری از بخش‌های دیگر مثل بخش بهداشتی، امنیتی و... استانداردها در تمامی کشور و در تمامی مناطق یکی است. اما در بحث آموزش و منارنس ما با منارنس در تهران روبرو هستیم که اگر شما فیلم آنها را مشاهده کنید، تصور می‌کنید مدرسه‌ای را در اروپا می‌بینید و در مقابل آنها مدارس ما در مناطق محروم در وضعیت نامساعدی قرار دارند و بسیاری از بچه‌ها از حدانش‌ها بهره‌مند نیستند.





متولد ۱۳۳۶ سلطانه است. کارشناس ارشد فلسفه با سابقه تدریس عربی و ادبیات در مدرسه‌های دینی و فلسفه و منطق در دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی است. در حال حاضر در سمت کارشناس مسئول گروه فلسفه و منطق دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی خدمت می‌کند. از جمله آثار او می‌توان به ترجمه برنامه درسی کشور کاتنا (۲۰۱۱-۲۰۰۸)، مقالاتی با عنوان «درسی مبتنی شیوه‌های سازمان‌دهی محتوا در علوم انسانی با مبانی شیوه‌های سازمان‌دهی محتوا در علوم انسانی با تأکید بر درس فلسفه و نیز کتاب روش تدریس منطق اشاره کرد.



اشاره کرد. ما در آموزش و پرورش کنونی ما ساخته و پرداخته فکرها و برنامه‌های ما و فلسفه ما نیست. ایشان بر اساس همین اندیشه با تلاش‌های بسیار، مبانی نظری تحول در آموزش و پرورش را ایجاد کردند و برحسب آن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را تنظیم کردند. تدوین برنامه درسی ملی بخشی از این سند است که به فعالیت ما در آموزش و پرورش مربوط می‌شود.

### برنامه درسی ملی چیست؟

برنامه درسی ملی سندی است که چهارچوب برنامه درسی و نظام برنامه‌ریزی درسی را برای تحقق اهداف آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی محقق می‌کند. البته نمی‌توان با این سند بدون واسطه به تدوین کتاب‌های درسی بپردازیم. در این سند ۱۱ حوزه یادگیری مشخص شده است:

#### حوزه هنر

#### حوزه تفکر و حکمت

#### حوزه قرآن و معارف اسلامی و...

«حوزه تفکر و حکمت» مربوط به حوزه کاری ما است. ما باید بر اساس نقشه کلان سند تحول نقشه‌های جزئی‌تر را رسم کنیم. ۱۱ حوزه یادگیری مبتنی بر برنامه درسی باید بیش رو قرار

موضوع نشست: برنامه درسی ملی و نقش آن در تدوین کتاب فلسفه

سخنران: خانم فخری ملکی، مؤلف کتاب درسی فلسفه

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۹۸

برای همه مردم اهمیت آموزش و پرورش که تعلیم و تربیت فرزندان ما را برعهده دارد، میرهن است. فرزندان ما ۱۲ سال از بهترین روزهای عمر خود را در این نهاد سپری می‌کنند. از نگاه صندریا مراب وجودی دانش‌آموزان در این ۱۲ سال از باجماله به «تصیل» می‌رسد. تا آنجا که برای پیش‌بینی آینده کشور می‌توان نگامی به وضعیت دانش‌آموزان و مدارس کشور انداخت. آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد مدرن ریشه در فرهنگ مدرنیته دارد و در پاسخ به دنیای مدرن شکل گرفته است. این فرهنگ حول محور اومانیسم در حرکت است. سعی در آلفای تفکر لذت‌طلبی دارد. این طرز تفکر ماده‌گرا با تمام نتایج مثبت و منفی خود در زادگاه خودش محدود نمانده و همواره درصدد بوده که در دیگر فرهنگ‌ها رخنه کند و سایه خود بر مال دیگر را گسترش دهد. ایران نیز از حجه غرب در امان نبوده و طی سالیان دراز تحت‌تأثیر اندیشه و فرهنگ غرب قرار گرفته است. از زمان تأسیس دارالفنون تا به امروز آموزش‌هایی که به دانش‌آموزان داده شده ریشه در فرهنگ غربی داشته است. ما تقریباً همان محتوایی که مغرب‌زمین تهیه کرده‌است را به دانش‌آموزان مان ارائه کرده‌ایم. واز این تناقض، بزرگان ما نیز دم زده‌اند. مقام معظم رهبری نیز در ۱۳۸۶/۸/۳

و بیانگر آن است که هر چیزی باید به‌عنوان آینه حق نگریسته شود، یعنی تمام عالم آینه جمال حق است.

گزاره بعدی اشاره به فطرت الهی انسان دارد. پس ما دانش‌آموز را لوح سفید در نظر نمی‌گیریم و معتقدیم که او فطرتی الهی دارد که بیرونی از آن، او را به مسیر خاصی هدایت می‌کند. از این منظر معلم و مؤلف باید دانش‌آموز را به سمتی هدایت کنند که او گنج درونی خود را هویدا سازد. ما در اندیشه اسلامی معتقدیم که فطرت رنگ و بوی الهی دارد و این اندیشه، ما را از نگاه دکارتی متمایز می‌سازد. خداوند نیز در قرآن فرموده که من از روح خود در انسان دمیدم.

گزاره دیگر که از حیث محتوایی به ما در تألیف کتاب درسی فلسفه کمک کرده است به شرح زیر است: «علم در عین کشف واقع از منظر معلوم محصول ایلاج منظر عالم است». زمانی که ما پدیده‌ها را می‌بینیم، ذهن این توان را دارد که همان را مشابه‌سازی کند. پس برنامه‌های درسی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که مشارکت حداکثری دانش‌آموزان را دربر داشته باشند و ذهن آنان را بکار گیرند.

آنچه در تألیف کتاب‌های درسی گذشته مینا قرار می‌گرفت اندیشه بلوم بود که اهداف آموزشی را برحسب اهداف شناختی، نگرشی و مهارتی تقسیم‌بندی می‌کرد ولی چنین دیدگاهی در دنیای امروز منسوخ شده است. الگوی هدف‌گذاری در برنامه درسی ملی به قرار ذیل است:

با توجه به رویکرد شکوفایی فطرت که شامل پنج عنصر، تعقل، ایمان، علم، عمل، اخلاق و چهار عرصه ارتباط مثری با خود، خدا، خلق و خلقت است، فطرت یا محوریت ارتباط با خدا تعریف، تبیین و تدوین می‌شود.

در میان عناصر پنجگانه، عنصر تعقل و ایمان مبتنی بر تفکر، جایگاه محوری دارند و سه عنصر علم، عمل و اخلاق به‌عنوان عناصر پر خاسته از تعقل و ایمان و متکی بر آن دو، تعریف و تبیین می‌شوند.

امید است که مریدان عزیز نیز در زمان تدریس موارد گفته شده را در نظر داشته باشند.

گیرد و بر اساس آن راهنمای یادگیری درسی ویژه خود را تنظیم کند. پس از این مرحله می‌توانیم به تدوین کتاب درسی بپردازیم.

منتها این روند بسیار زمان‌بر بوده و نیازمند وقت و دقت فراوانی است. ما نیز در دفتر تألیف در راستای هم‌سوسازی محتوای آموزشی کتاب یا سند تحول بنیادین تصمیم گرفتیم که حبه کتاب‌ها را با سند برنامه درسی ملی هماهنگ کنیم که البته این اقدام هنوز کاملاً محقق نشده است. حال پرسش اینجاست که ما در هم‌سوسازی برنامه‌ها از سند برنامه درسی ملی کمک گرفتیم و گزاره اصلی که به کارهای ما جهت داده است عبارت است از: «هستی و واقعیت دارد».

این دیدگاه وجه همبزه رئالیسم و ایده‌آلیسم است. ما اعتقاد داریم که جهان واقعیت دارد و انسان‌ها به‌عنوان فاعل شناسا توان شناخت عالم هستی را دارند و بر پایه این عقیده ادعا می‌کنیم که رئالیست هستیم.

در اندیشه غربی جواهر متباین به ذات هستند. جوهرهای روحانی و جسمانی از نظر غربی‌ها تباین ذاتی دارند و نمی‌توانند همدیگر را درک کنند. از همین منظر اظهار می‌کنند که شناخت، پذیرایی است اما در اندیشه اسلامی، عالم جسمانی و عالم روحانی تباین ذاتی ندارند چون از یک منشأ سرچشمه گرفته‌اند و با یکدیگر تناظر دارند. گزاره بنیادین، ما را به این اندیشه سوق داده که معیار اعتبار علم یا اندیشه اسلامی مطابقت با عالم خارج است.

دلالت دوم عبارت است از: «معرفت عبارت است از کشف قوانین» دلالت سوم به این قرار است: «معیار اعتبار علم مطابقت با واقعیت است». دلالت چهارم اشاره به ارزش‌ها دارد، ارزش‌ها مستقل از ذهن‌ها، با ریشه در ذات جهان، واقعیت دارند.

در گزاره خداوند مبدأ و غایت هستی در اندیشه اسلامی است. ما را به این سمت که در تدوین برنامه‌ها نگاه مرآتی داشته باشیم، هدایت می‌کند.







## دکتر رضا سلامت پناه

معاون مطالعات و برنامه ریزی راهبردی  
شورای تخصصی توسعه

کتاب‌خوانی محسوب نمی‌شوند بلکه خوانش‌های مجازی می‌باشند. با این نگاه خواندن ادعیه و زیارات نیز بر کتاب‌خوانی اطلاق نمی‌شود. مراد ما از کتاب‌خوانی جایگاهی است که در ارتقای توسعه فرهنگی تأثیر گذار باشد و در نهایت به «عقلانیت و بهزیستی انسانی» منجر شود.

ما برای کتاب یک تطورشناسی تاریخی در نظر داریم و مهم‌ترین مرجعی که بینش تاریخی ما را نسبت به کتاب شکل داده، قرآن کریم است. قرآن کریم «کتاب» است و در آیات آن یارها بر «کتاب» بودن قرآن تأکید شده است. امروزه نیز وقتی واژه کتاب را بکار می‌گیریم، منظور تاریخی بر آن اثر گذار است و مقدس بودن کتاب به تقدس قرآن کریم باز می‌گردد.

قرآن حقایقی بوده که به صورت شفاهی به سینه پیامبر الهام شده است. در اندیشه دینی ما مراد از کتاب، قرآن است و قرآن در قالب الفاظ شفاهی نازل شده است.

حال پرسش این است که اگر قرآن به شکل شفاهی فرستاده شده چرا به آن می‌گوییم کتاب؟

این موضوع به ادبیات قرآن کریم برمی‌گردد. در اندیشه دینی ما دو نوع کتاب وجود دارد:

❶ کتاب تکوین: مراد از کتاب تکوین، عالم خلقت است.

❷ کتاب تشریح: مراد از آن، قرآن است.

در تمدن اسلامی کتاب آرای، کتاب نویسی، کتاب نگاری، تذهیب و... امری جدی بوده و نسخه‌نویس‌ها برای نگاشتن و آراستن یک نسخه ماه‌ها وقت می‌گذاشتند و آن را آماده می‌ساختند. این امر نشانگر نگاه تمدن اسلامی به کتاب و جایگاه والای کتاب است.

### ❸ کتاب‌خوانی به مثابه بیماری اجتماعی

با این توصیف، «کتاب‌خوانی» کنشی به مقوله «کتاب‌خوانی» است و کتاب‌خوانی به مثابه نوعی بیماری اجتماعی است. اگر خاطرتان باشد جلال آل احمد در آغاز کتاب «غرب زدگی» آورده است:

«غرب زدگی می‌گویم هم‌چون ویزدگی و اگر به مذاق خوشایند نیست، بگویم همچون سرمازدگی یا گرم‌زدگی. اما نه، دست کم چیزی است در حدود سن زدگی، دیدن‌اید که گندم را چطور می‌پوساند؟ از درون پوسته سالم برجاست اما فقط پوسته است، عین همان پوستی که از پروانه بر درختی ماندند! به هر صورت سخن از یک بیماری است.»

من نیز به تقلید از جلال آل احمد می‌خواهم بگویم: «کتاب‌خوانی سخن از یک بیماری است.»

حال می‌خواهیم به عنصر دیگر عنوان بحث‌مان بپردازیم: «نظام آموزشی» نظام آموزشی مجموعه‌ای متشکل از بخش‌های آموزشی و فعالیت‌های آموزشی دستگاه‌های دولتی، غیردولتی، مردمی و عمومی است که به عنوان یکی از زیرنظام‌های اصلی کشور برای آموزش و تربیت نیروهای انسانی فعالیت دارد. یکی از آسیب‌های جدی که در فلسفه آموزش با آن مواجه هستیم مربوط به مدل اجرایی نالغی است که آموزش عالی را از آموزش و پرورش جدا ساخته

📖 **موضوع نشست:** «چالش کتاب‌خوانی در نظام آموزشی»

🔑 **سخنران:** دکتر رضا سلامت پناه، مشاور سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی

🕒 **زمان:** ۱۱ اردیبهشت ۹۸

«موضوعی که بنا شد در این نشست ارائه کنم، «چالش کتاب‌خوانی در نظام آموزشی» بود.

مفهوم «چالش» که در عنوان بحث خود از آن استفاده کردم در معناآفرینی موضوع بحث نقش مهمی دارد. این واژه در ادبیات ما نزدیک به دو دهه سابقه دارد اما نه بدین معنا که ما امروز از آن اراده کردیم. حتی کتاب‌هایی که در عنوان آن‌ها واژه «چالش» ذکر شده مسبقاً به بیست سال گذشته است. از آنجاکه این واژه در موضوعات اجتماعی هم سابقه چندانی نداشته، لازم است که ما پیش از هر چیز مراد خود را از این واژه تنقیه کنیم.

در ابتدا باید واژه چالش را از واژه‌های مشابه خود متمایز سازیم: عموماً واژه چالش یا challenge با واژه «مسأله» اشتباه گرفته می‌شود. چالش عمدتاً در معنای تفاوت، مانع، مشکل، بحران و... بکار می‌رود. در کتاب «چالش‌های پیش‌روی آموزش عالی در هزاره سوم» بحث عالمانه‌ای در خصوص واژه چالش و حوزه معنایی آن شکل گرفته که در مقایسه با آثار دیگر رجحان دارد.

در بحث امروز مراد از «چالش» عوامل بیرونی است و نه عوامل درونی. بدین معنا که وقتی می‌گوییم «چالش‌های کتاب‌خوانی در نظام آموزشی» مراد ما سلسله عوامل بیرونی است که منجر به کتاب‌خوانی می‌شود. عموماً اعتقاد بر این است که بحران‌های فعلی ما می‌تواند نشانگر چالش‌های ما باشد: بر همین اساس ما نیز کتاب‌خوانی را به عنوان یک بحران در نظر گرفته‌ایم و درصددیم چالش‌هایی را که منجر به کتاب‌خوانی می‌شود، بررسی نماییم.

حال با این توضیحات «چالش» را این‌گونه توصیف می‌کنیم: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده را از بیرون مورد تهاجم قرار می‌دهد و حفظ تعادل وضع موجود را با مشکل مواجه می‌کند»

واژه دیگری که در بحث امروز ما به تعریف و واکاوی نیاز دارد واژه «کتاب‌خوانی» است. کتاب‌خوانی یک واژه ترکیبی است که از «کتاب» و «خواندن» تشکیل شده است.

کتاب‌خوانی در مقابل کتاب‌خوانی قرار می‌گیرد. برای آنکه بتوانیم مفهوم کتاب‌خوانی را درک کنیم، در ابتدا باید کتاب‌خوانی را بفهمیم و تفاوت کتاب‌خوانی با مطالعه را تشخیص دهیم.

### ❸ آیا به عمل مطالعه، کتاب‌خوانی می‌گوییم؟

پاسخ منفی است. مطالعه عام‌تر از کتاب‌خوانی است. در طول روز ممکن است ما مطالب بسیاری را در گوشی همراه، تبلت یا کامپیوتر خود بخوانیم که ویژگی مشترک آن‌ها کوتاه‌نویسی و سرعت انتشار است. ولی این‌ها





دارد اما در جامعه ما مدرک تحصیلی فرد تأثیر گذار است و چه بسا افرادی که در مقاطع تحصیلی بالا از دانش و سواد کافی برخوردار نیستند اما در ورود به بازار کار توفیق می‌یابند.

عامل تأثیر گذار بعدی انتخاب کتاب و کثرت تولید کتاب است. ما در صنعت نشر با حجم عظیمی از عناوین کتاب با تیراژهای محدود مواجه هستیم. از طرفی تعدد و تکثر بی‌رویه چاپ کتاب خریدار را دچار سردرگمی می‌کند. متأسفانه دلیل دیگری که مزید بر علت شده عدم حضور مشاوران و راهنمایان کتاب‌خوانی است که در مدرسه و دانشگاه در کنار دانش آموزان و دانشجویان حضور داشته باشند و جوانان ما را هدایت کنند.

علاوه بر این‌ها یکی از سازوکارهایی که جای خالی آن در آموزش و پرورش ما احساس می‌شود، جشنواره کتاب رشد است. یکی از وظایف جشنواره رشد دآوری میان انبوه کتاب‌های منتشر شده و رتبه‌بندی کتاب‌ها در سه سطح است. ولی متأسفانه این مسأله رسانه‌ای نمی‌شود و رسانه ملی از این موضوعات به طور جدی و هدفمند حمایت نمی‌کند. سازوکار تبلیغ رسانه‌ای به گونه‌ای است که در مخاطب احساس نیاز کلاب ایجاد می‌کند. این در حالی است که در مورد کتاب و ترویج کتاب‌خوانی هیچ گونه تبلیغات ترغیب کننده‌ای صورت نمی‌گیرد.

نگاه سنتی ما به کتاب در شعارهای هر ساله نمایشگاه کتاب هم دیده می‌شود. شعار امسال نمایشگاه کتاب «خواندن، توانستن است» و شعار سال‌های گذشته «کتاب دانی، توانایی»، «مطالعه، اندیشه، فرزندی»، «ارتقای معرفت دینی و بصیرت فرهنگی در سال جهاد اقتصادی» و... بوده است. حال من برای شما چند نمونه از شعارهای نمایشگاه کتاب استرالیا را بگویم: «ماجرای جوی با کتاب»، «همیشه وقت کتاب است»، «هوررور برای کتاب»، «در کتاب‌ها غرق شوید»، «بیایید بخوانیم». از همین شعارها تفاوت رسانگی کتاب‌خوانی در کشور ما با دیگر کشورها مشخص است.

#### آموزش و پرورش و امانده از دنیای مدرن

نظام آموزش از بیرون تحت تأثیر عوامل بسیاری است. از یک طرف تحت تأثیر تغییر و تحول و تنوعات محیط بیرونی است و از طرف دیگر خود نظام آموزش نظام‌گندی است، چرا که فرایند تعلیم و تربیت کند و زمان‌بر است. این عامل سبب شده که هماهنگی میان تحولات بیرونی و نظام آموزش و پرورش مخدوش شود. در قدیم، آموزش زمان می‌برد و سرعت تحولات جامعه نیز به شدت امروز نبود. از همین‌روی آموزش و پرورش فدای سرعت محیط پیرامون نمی‌شد. در گذشته شما یا خواندن در طول زمان دانا می‌شدید و دانی مابه‌ازا داشت ولی در دنیای امروز همین گوشه همراه من که در زمان کوتاهی مرا به دنیای وسیعی از اطلاعات وصل می‌کند، دانی من است.

پس در دنیای امروز کسب دانی مسأله نیست، بلکه باید با کتاب‌خوانی و مطالعه هدفمند، تفکر انتقادی شکل بگیرد و عقلانیت رشد کند. در چنین شرایطی یک «جامعه عقلانی» به وجود می‌آید و در مقابل بیماری اجتماعی کتاب‌خوانی سبب تضعیف عقلانیت در جامعه می‌گردد.

است. این درحالی است که در اغلب کشورها آموزش، آموزش است و تمایزی میان سطوح مختلف آموزش وجود ندارد.

سیقه این تقسیم بندی به دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ برمی‌گردد و از آن زمان ساختار پیوسته آموزش دچار گسست شد. من فکر می‌کنم آنان که آموزش را به دو بخش آموزش عالی و آموزش و پرورش تقسیم می‌کنند، مقصودشان این بوده که اگر آموزش دانشگاهی «آموزش عالی» است و آموزش و پرورش «آموزش دانی» است. همین تقسیم‌بندی در نظام آموزشی، مصائب بسیاری را رقم زده است.

ما پیش از هر چیز باید به این باور برسیم که آموزش و پرورش از آموزش عالی کهنتر نیست. ولی ما می‌بینیم که تحصیل‌کردگانی که مدارج دانشگاهی دریافت کرده‌اند عموماً ترجیح می‌دهند در دانشگاه مشغول به کار شوند و اشتغال در دانشگاه را دارای شأن اجتماعی بالاتری می‌دانند. در صورتی که مطلوب‌ترین و آرمانی‌ترین نظام آموزشی نظامی است که معلم کلاس اول آن مجتهد و دانشمند باشد.

این مسأله در رابطه با نظام آموزشی کشور ما به چالش کتاب‌خوانی مربوط می‌شود و از آنجاکه به دلایل گوناگون در جامعه ما نهادهای ارزشیابی دقیقی شکل نگرفته و تنها نهادی که سطح علم و دانش افراد را می‌سنجد، نهاد دانشگاهی است، صرفاً مدرک‌گرایی ارزش پیدا کرده و رشد دانش ملی و تفکر انتقادی شکل نگرفته است. از همین رو معیار سنجش دانش و سواد افراد مدرک‌شان شده و افراد به صرف داشتن مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد یا دکتری در مناصب مختلف - حتی مغایر با رشته تحصیلی - گماشته می‌شوند.

برای آنکه عنوان اصلی بحث‌مان را فراموش نکنیم، من دوباره یادآوری می‌کنم که می‌خواهیم عوامل بیرونی اثر گذار بر بیماری کتاب‌خوانی در نظام آموزشی را بررسی کنیم.

#### ابعاد شکل‌دهنده بیماری کتاب‌خوانی چیست؟

برای درمان این بیماری متخصصان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... ضروری است که به این مسأله به چشم یک بیماری بنگرند. در جامعه ما به لحاظ فرهنگی نیاز به کتاب‌خوانی احساس نمی‌شود و فضای زندگی ما بر این عدم‌احساس نیاز دامن می‌زند. رسانه‌های ما یکی از مواردی است که در افراد جامعه احساس نیاز به کتاب‌خوانی به وجود نمی‌آورد و بسیار سطحی و مبتذل به فرهنگ کتاب‌خوانی می‌پردازند.

عامل دیگر عدم‌احساس ما به‌عزای ارزش برای کتاب‌خوانی است. دانش‌آموزانی که ما به آن‌ها توصیه می‌کنیم که کتاب بخوانند، در فضای کتاب‌خوانی و مدرک‌گرایی رشد کرده و زندگی می‌کنند و در آن فضا مایه‌هایی برای کتاب‌خوانی خود نمی‌یابند و با این پرسش مواجه می‌شوند که کتاب‌خوانی در کجای زندگی برای من ارزش افزوده ایجاد می‌کند؟

این درحالی است که در بسیاری از کشورها پیش از آنکه مدرک و مقطع تحصیلی فرد برای اشتغال مهم باشد، میزان دانش و مهارت شخص اهمیت



معاونت آموزش دوره  
متوسطه آموزش و  
پرورش شهر تهران

خانم دکتر پانته‌آ درّی

موضوع نشست: «ترویج

فرهنگ مطالعه در علوم انسانی»

سخنران: دکتر پانته‌آ درّی.

معاونت آموزش دوره متوسطه  
آموزش و پرورش شهر تهران

زمان ۱۳۰ اردیبهشت ۹۸



به درس و مشق دانش‌آموزان را دارند و تربیت و تجربه‌آزمایی برعهده خانواده‌هاست. پس مدرسه یک فضای تعاملی اجتماعی است که شما در هریک از این کلیدواژه‌ها، ردی از علوم انسانی را ملاحظه می‌کنید. البته این تعریف یا ذهنیتی که ما از مدرسه داریم و تجربه خودمان از دوران مدرسه متفاوت است و در حال حاضر نیز مدارس ذیل این تعریف نمی‌گنجد ولی براساس سند تحول بنیادین باید مدل مدرسه‌داری تغییر کند که عمل دشوار و زمان‌بری خواهد بود و به «ترویج علوم انسانی» برای پیشبرد آن نیاز است. این مطالعه و آگاهی از علوم انسانی در نهایت باید به بهبود رابطه ما با دیگران و جامعه بیانجامد. مطالعه عمومی به‌خودی‌خود نمی‌تواند اثرگذار باشد بلکه باید به تأثیر اجتماعی منتهی شود.

مدرسه یک فضای اجتماعی تعاملی است که باید برای دانش‌آموز موقعیت یادگیری ایجاد کند. در مدرسه فرار نیست چیزی را به دانش‌آموز بیاموزیم بلکه فرار است شرایطی را برای دانش‌آموزان فراهم کنیم که در سایه آن دانش‌آموزان به دنبال یادگیری بروند و معلمان روند یادگیری را تسهیل کنند. به عبارتی مدارس ما باید از یاددهی به سمت یادگیری حرکت کنند. کسی نمی‌تواند دانش و مهارتی را یاد بدهد مگر آنکه کس دیگری ادعا کند که آن را یاد گرفته است.

در مدارس باید به دانش‌آموزان شایستگی‌های پایه را آموزش دهیم. شایستگی‌های اولیه را خانواده به فرد می‌آموزد و تربیت اجتماعی را آموزش و پرورش یاد می‌دهد. در تربیت اجتماعی از طریق برنامه رسمی و برنامه‌های غیررسمی یا مکمل مدرسه به دانش‌آموز یاد داده می‌شود که چگونه موقعیت خود و دیگران را در جامعه و جهان هستی بهبود ببخشد.

ما در راستای ترویج علوم انسانی و فرهنگ کتاب‌خوانی دو رسالت ویژه داریم:

الف) رشته‌های وابسته به علوم انسانی را به صورت عام برای آحاد ذی‌نفع آموزش دهیم یعنی علوم انسانی به‌عنوان چتری بالای سر سبک زندگی انسان‌ها مؤثر باشد. به‌عبارتی هر فردی فارغ از رشته تحصیلی و شغل و حرفه خود باید قدری شعر،

موضوع نشست امروز ما «ترویج فرهنگ مطالعه در علوم انسانی» است.

آموزش و پرورش در میان نهادهای حکومتی سنگین‌ترین بار را به دوش می‌کشد. در بسیاری از نقاط مرزی تنها پرچم یک مدرسه برافراشته شده است که نشان از حضور حاکمیت دارد. ذی‌نفعان آموزش و پرورش نیز گسترده و پرشمار می‌باشند: دانش‌آموزان، اولیاء، عوامل اجرایی و آموزشی مدرسه ذی‌نفعان وزارت آموزش و پرورش هستند.

مدرسه از نظرگاه سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین هفت سال است که رونمایی شده و فلسفه تعلیم و تربیت نظام جمهوری اسلامی ایران را ترسیم کرده است. در سند تحول تعریفی از مدرسه ارائه شده که دانستن آن ضروری است: مدرسه باید کانون تربیتی محله و کانون کسب تجربه‌های جدید باشد.

چرخش از مدارس موجود و سنتی به مدرسه‌ای که کانون تربیتی محله و کسب تجربه‌های جدید باشد نشان می‌دهد که مطالبه همه جامعه از مدرسه باید گذر از مدرسه مبتنی بر امتحان و حفظ کردن به سمت کانون کسب تجربه‌های جدید باشد. البته این تغییر، تغییر ساختاری و بطنی است که والدین دانش‌آموزان نیز باید همکاری نمایند و بینش خود نسبت به مدرسه را تغییر دهند. بسیاری از دانش‌آموزان هنوز فکر می‌کنند که مدرسه و معلمان تنها وظیفه رسیدگی





ادبیات، فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... بداند.

ب) ترویج علوم انسانی به‌عنوان رشته‌ای که مدیریت آینده کشور در گروی آن است باید به جذب ذی‌نفعان باکیفیت پردازد. در سند تحول بنیادین به ما تکلیف شده که به دنبال ارائه آموزش‌های باکیفیت برای علوم انسانی و پذیرش دانش‌آموزان و دانشجویانی باشیم که دغدغه ارتقای علوم انسانی دارند. برای تحقق این امر راهکارهای نتیجه‌بخش وجود دارد. هم‌چون راه‌اندازی مدارس فرهنگ که فقط در رشته انسانی فراگیر می‌پذیرد و آزمون ورودی دارند و دانش‌آموز تبیل و کم‌تلاش و بی‌انگیزه ثبت‌نام نمی‌کنند. در این مدارس دانش‌آموزان به شکل بالنده و متفاوتی در معرض یادگیری قرار می‌گیرند.

در سند تحول نیز آمده است که ما باید در مسیر تولید علوم انسانی بومی حرکت کنیم که برای دستیابی به این هدف، تربیت نیروهای فهیمه و متفکر در رشته علوم انسانی ضروری است. آنچه که به برخورداری متعالی‌تر در حوزه دانش انسانی کمک می‌کند جذب

دانش‌آموز باانگیزه تلاش‌گر و علاقه‌مند است که این مهم از طریق مدارس فرهنگ میسر گشته است.

#### ترویج علوم انسانی در بین سایر رشته‌ها

الف) کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای است که به آشنایی بیشتر دانش‌آموزان تجربی و ریاضی با علوم انسانی کمک می‌کند. متأسفانه در گذشته حتی درس انشا و نویسندگی از مدارس حذف گردید و به پاراگراف‌نویسی ضمیمه کتاب فارسی تقلیل پیدا کرد. از لحاظ آموزش زبان، مرحله نگارش عالی‌ترین سطح یادگیری زبان است که فرد در این مرحله به خلق و تولید دست می‌یابد. خوشبختانه اخیراً درس نگارش به برنامه درسی دوره دوم متوسطه افزوده شده که مایه خرسندی است. نگارش به‌عنوان یک درس عمومی برای همه رشته‌های متوسطه دوم ارائه شده که می‌تواند منجر به ترویج علوم انسانی در میان سایر رشته‌ها، اندیشه‌ورزی و دست‌ورزی دانش‌آموزان گردد.

متأسفانه رواج امتحانات تستی و کوتاه پاسخ در مدارس، مهارت نگارش و مفصل‌نویسی دانش‌آموزان را تضعیف می‌کند که با ورود

درس نگارش به برنامه درسی این ضعف برطرف می‌گردد و دانش‌آموز فرصت ابراز وجود را در کلاس پیدا می‌کند. دانش‌آموزان باید از چهارم ابتدایی تا دوره دوم متوسطه در کلاس درس فرصت ابراز وجود پیدا کنند که همین امر فرصتی برای پرداختن به رشته‌های علوم انسانی است.

ب) یکی دیگر از راه‌های عمیق‌بخشی به علوم انسانی این است که ما موضوعی را مطرح کنیم و دیگران آن را تجزیه و تحلیل کنند.

ج) علاوه بر آنچه گفته شد می‌توانیم بر روی نیروی انسانی سرمایه‌گذاری کنیم. چنان‌چه مریبان ما صرف‌نظر از رشته تخصصی و حوزه تدریس خود از علوم انسانی به‌عنوان یک زمینه و بستر جهت لطیف‌سازی آموزش استفاده نمایند، به دانش‌آموزان خود نیاز به فرهنگ متعالی را گوشزد می‌کنند. اگر معلمان فراتر از حوزه تخصصی خود به مطالعه پردازند و در جریان انتشارات روز قرار بگیرند و به سمت بین‌رشته‌ای شدن پیش بروند در ترویج علوم انسانی بسیار مؤثر خواهد بود.





**دکتر صدیقه حسینی خواه**

رئیس اداره تکنولوژی و گروه‌های  
آموزشی شهر تهران  
و سرگروه‌های آموزشی

**مهندس مجید بهنام**  
مدیر مرکز ترویج علوم انسانی

### حرفه‌ای گرایی در تدریس چیست؟

زمانی که کسی می‌خواهد در کسوت معلمی مشغول به کار شود، تئوری‌ها و مفاهیم نظری متعددی در اختیار این شخص قرار داده می‌شود و فرد به شخصی‌سازی این تئوری‌ها و سپس درونی‌سازی آن می‌پردازد. سپس این مفاهیم و نظریه‌ها را با تجربه تدریس خود درمی‌آمیزد.

فرایندی که شرح دادم مسیری است که ما معلم‌ها در راستای حرفه‌ای‌گری خود طی می‌کنیم.

محیط رالایی

### دو نوع محیط داریم

محیط الهام‌زاد

تنها تفاوت این دو محیط فرایندی است که در درون من به عنوان معلم اتفاق می‌افتد. من معلم دانش این حوزه را از متخصصان و صاحب نظران این حوزه می‌آموزم و با تجربیات تدریس خودم می‌آمیزم و به آموزش می‌پردازم. از آنجاکه پژوهشگران و محققان بیشتر در محیط دانایی و حول تئوری‌ها مشغول به کار و تخصص‌گرایی می‌باشند، فرایند حرفه‌ای‌گری در آن‌ها سریع‌تر رخ می‌دهد اما معلمان چون بیشتر در میدان عمل هستند و محیط و محیط انجام دادن غالب آن‌ها است، فرایند حرفه‌ای‌گری و تخصص‌گرایی با سرعت کمتری پیش می‌رود.

حال من از شما معلمان می‌پرسم که تصور شما از حرفه معلمی چیست؟ برخی در پاسخ به این سؤال می‌گویند:

معلم شمع فروزان است.

... فانوس دریایی است.

... قطب‌نما است.

... (سامانه موقعیت‌یاب) است. ... ایر است

و ...

هر کدام از این تعاریف حائز اهمیت هستند؛ چراکه نشانگر بیش از همه شما به شغل معلمی می‌باشند. هم‌چنین این تعاریف و استعاره‌ها از معلم، بیان‌کننده ادراک ما نسبت به معلم و معلمی است.

### موضوع نشست، «حرفه‌ای‌گری در آموزش و معلمی»

سخنران، دکتر صدیقه حسینی خواه، رئیس اداره تکنولوژی و گروه‌های آموزشی شهر تهران و سرگروه‌های آموزشی

زمان، ۱۲ اردیبهشت ۹۸

پیش از آغاز سخن، روز معلم را به شما معلمان عزیز تبریک عرض می‌کنم و آرزو می‌کنم که سالیان سال در کسوت معلمی مشغول خدمت‌رسانی باشید. عنوان بحث امروز ما «حرفه‌ای‌گرایی در معلمی» است که به مناسبت روز معلم این موضوع را برای بحث و گفت‌وگو انتخاب نمودم.

### به نظر شما آیا «معلمی» یک عمل حرفه‌ای است؟ ویژگی‌های یک معلم حرفه‌ای چیست؟

من پیش از این پژوهشی در خصوص «حرفه‌ای‌گرایی» می‌خواندم که توسط آیزنر، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت، انجام شده است.

آیزنر اظهار داشته که من برای انجام پژوهشم در رابطه با حرفه‌ای‌گرایی به سراغ مردم آمریکا رفتم و از آن‌ها پرسیدم: «به نظر شما شغلی که تصاحب آن نیازمند حرفه‌ای‌گرایی و تخصص بسیار است، کدام است؟» آن‌ها پاسخ دادند: «بازیکن بیسبال». همان‌طور که می‌دانید بازی بیسبال یکی از بازی‌های مورد استقبال آمریکایی‌هاست. تاجران انتخاب بعدی مردم آمریکا در پاسخ به سؤال حرفه‌ای‌گری بودند.

هایزینر در ادامه از مردم پرسید: «آیا شما فکرنمی‌کنید که معلمان هم باید حرفه‌ای باشند و برای تدریس به تخصص نیاز دارند؟» اما پرسش‌شوندگان در پاسخ گفتند: «هر کسی می‌تواند تدریس کند».

هایزینر در این پژوهش با این سؤال و ابهام مواجه می‌شود که چگونه مردم بازی بیسبال را که برد و باخت آن هیچ نسلی را به خطر نمی‌اندازد و نتایج آن زندگی هیچ کسی را دچار مخاطره نمی‌کند، نیازمند بیشترین حرفه‌ای‌گرایی و تخصص‌مندی می‌دانند ولی وقتی صحبت از تربیت نیروی انسانی و نسل جوان می‌شود تخصص و حرفه‌ای‌گری را غیرضروری می‌دانند.



براین اساس آیا ما شمع هستیم و برای مدتی اطراف خود را روشن کرده و مدتی بعد خاموش می‌شویم؟

یا اینکه آیا ما معلمان صرفاً شیبه قطب‌نما مسیر را نشان می‌دهیم و کارکرد دیگری نداریم؟

یا در تعبیر دیگری ما همچون مادری هستیم که غیر از حیطة شناختی برای رشد و بالندگی فرزندش، نهایت تلاش خود را می‌کند. این نوع نگاه بیش از آن شخص نسبت به شغل معلمی را نشان می‌دهد.

**شاید تا این‌جا از خود پرسیده باشید که چرا این قضایا را برای شما تعریف کردیم؟**

بسیاری از ما معلمان نمی‌دانیم که سند تحول بنیادین چه تصویری از معلم ترسیم کرده و متناسب با آن تصویر چه انتظاری از ما دارد. برای خیلی از ما معلمان میان تصویری که از حرفه خود داریم و تصویری که سند تحول ارائه می‌دهد، انطباقی وجود ندارد؛ چراکه تصور می‌کنیم هنوز یک سخنران سنتی و متکلم‌وحده هستیم که صرفاً وظیفه آموزش محتوای درسی کتاب را برعهده داریم و از جنبه‌های دیگری که سند به آن اشاره داشته غافل هستیم. در ادامه اشاره کوتاهی به جنبه‌های دیگر شغل معلمی می‌کنم:

هویت حرفه‌ای معلمان شامل ۴ مورد می‌شود،

**معلم به عنوان متخصص موضوع درس:**

تا چند دهه قبل افراد می‌پنداشتند که اگر دانش حوزه درس را داشته باشند و بتوانند بر موضوعات کتاب درسی تسلط داشته باشند، معلم خوبی خواهند بود، ولی امروزه صرف بهره‌مندی از این قابلیت کفایت نمی‌کند. در دیای امروز معلم خوب کسی است که مفاهیم و روابط بین مفاهیم را بداند. اگر حین تدریس هر دو مؤلفه لحاظ نگردد، دانش‌آموزان یک ماه پس از امتحانات پایان سال

مفاهیم آموخته شده را از یاد می‌برند. امروزه شیوه‌های نوین تدریس و آموزش از «موضوع درس» به عنوان «دانش قابل تدریس» یاد می‌کنند

**معلم به عنوان متخصص پداگوژی (هنر معلمی):**

معلمی که از علم و هنر معلمی برخوردار است، به جنبه اخلاقی تدریس توجه می‌کند. برقراری ارتباط سالم با دانش‌آموزان در حوزه پداگوژی است. معلم در هنر معلمی دو ویژگی دارد:

وقت، انرژی و توجهی که صرف آموزش می‌کند.

برنامه و چیتشی که برای تدریس در نظر می‌گیرد.

معلمی که برخوردار از هنر معلمی است هنگام تدریس به چشمان دانش‌آموزان خود می‌نگرد و با آن‌ها همراه می‌شود و می‌داند که شاگردش چه زمانی حواسش به درس هست و چه زمانی از درس دور می‌شود.

این معلم شیوه‌های بیان تأثیرگذار و گیرا را می‌داند و با بیان شیرین خود درس زندگی به دانش‌آموزان می‌دهد.

در سند تحول بنیادین از معلم به‌عنوان مربی یاد می‌کند و این انتخاب نام، اشاره به نقش تربیتی معلم دارد. معلم نباید از یاد ببرد که گاهی ذهن دانش‌آموزش با مشکلات درگیر است و وظیفه اوست که در حد امکان به او کمک کند.



**خانم دکتر صدیقه حسینی خواه رئیس اداره**

**تکنولوژی و گروه‌های آموزشی تهران**

خود را حرفه‌ای می‌دانید و تاجه اندازه این سه ویژگی را برای تدریس خود لحاظ می‌کنید؟ از این پس به این سه مؤلفه بیشتر توجه کنید.

بهره بگیرد. اگر قرار باشد معلم فضای امن و پربازدهی را برای دانش‌آموزان مهیا کند، لازم است که از همه موارد گفته شده آگاه باشد و آن‌ها را بکار گیرد.

اکنون که این سه ویژگی مطرح شد، در پایان سخن از شما می‌پرسم که تا چه اندازه

**معلم به‌عنوان متخصص آموزشی (تعلیمی)**

کلاس‌های ما از «معلم‌محور» باید به «دانش‌آموز‌محور» تغییر یابند معلم باید مدل‌های تدریس، شیوه‌های نوین آموزش، سطوح سنجش و ارزشیابی و تکنولوژی‌های جدید را بداند و در کلاس درس از آن‌ها



## مصاحبه با دکتر فرهاد کریمی، رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش



- از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ عضو «شورای برنامه‌ریزی درسی رشته امور تربیتی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶ و ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ عضو «شورای پژوهشی پژوهشگاه کودکان استثنایی»
- عضو هیأت علمی و مدیر اجرایی «نخستین جشنواره پژوهش‌های برتر در حوزه کودکان استثنایی» به مدت یک سال - سال ۷۵
- از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ عضو شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش به مدت ۲ سال
- عضو شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش شهر تهران و شهرستان‌های تهران به مدت ۱ سال
- از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ عضو کمیته پژوهشی معاونت آموزش و پرورش عمومی وزارت آموزش و پرورش
- از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ عضو کمیته پژوهشی معاونت برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت وزارت آموزش و پرورش
- از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ عضو کمیته پژوهشی شورای عالی آموزش و پرورش
- از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ نماینده پژوهشگاه و عضو کمیته تلفیق و هماهنگی برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش
- سردبیر ۱۵ شماره پژوهش‌نامه آموزشی (ارگان خبری-آموزشی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش) و ویژه‌نامه‌های پژوهشنامه- در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶
- از سال ۱۳۸۱ تاکنون عضو ستاد بزرگداشت هفته پژوهش وزارت آموزش و پرورش
- از سال ۱۳۹۲ تاکنون نماینده پژوهشگاه در ستاد همکاری‌های حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش.

توضیح کوتاهی در خصوص اهداف پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی بفرمایید و نتایج زبان‌بار این اقدام برای پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش را توضیح دهید.

آقای دکتر فرهاد کریمی برای مخاطبان ما کمی از سوابق تحصیلی و اجرایی خود بگویید ضمن آنکه می‌دانیم شما رتبه اول آزمون ورودی دوره دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۸۱ و پذیرفته شده در آزمون دکتری اعزام به خارج از کشور رشته روان‌شناسی همان سال بودید.

- من از سال ۶۴ تا ۶۶ در مقطع فوق دیپلم رشته علوم تربیتی در دانشگاه تربیت معلم و پس از آن در رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی علامه طباطبائی تحصیل نمودم و در سال ۷۱ در مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی و چند سال بعد در مقطع دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تربیت معلم مشغول به تحصیل شدم و سال ۹۰ مدرک دکتری خود را دریافت کردم.
- بنده از مهر ۱۳۷۷ تا فروردین ۱۳۹۱ عضو هیأت علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت - پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش - وزارت آموزش و پرورش و از فروردین ۱۳۹۱ عضو هیأت علمی پژوهشگاه خانواده و مدرسه پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش شدم.
- از مهر ۷۸ تا شهریور ۸۰ مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پژوهشگاه تعلیم و تربیت
- از شهریور ۱۳۸۰ تا آذر ۱۳۸۱ مدیر گروه پژوهشی مشاوره و روان‌شناسی تربیتی پژوهشگاه تعلیم و تربیت
- از آذر ۱۳۸۱ تا شهریور ۱۳۸۴ معاون پژوهشی پژوهشگاه تعلیم و تربیت
- از شهریور ۸۴ تا دی ۸۶ معاون پژوهشی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
- از دی ۱۳۸۶ تا تیر ۱۳۹۳ مشاور علمی رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش





طرح اشاعه و کاربست پژوهش را توضیح دهید. ما نتایج پژوهش‌های پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش را در جلسات کاربست پژوهش یا متخصصان و مسئولان آن حوزه در میان می‌گذاریم. همچنین نتایج این پژوهش‌ها را برای استفاده مسئولان آموزش و پرورش در قالب چکیده‌های یک صفحه‌ای، خلاصه‌های چهار صفحه‌ای و متن کامل گزارش را ارسال می‌کنیم.

**آقای دکتر فرهاد کریمی در صورتی که آموزش و پرورش برای پژوهشی که به پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش می‌سپارد زمانی کمی در اختیار داشته باشد، راهکار پژوهشگاه برای دستیابی سریع‌تر به نتیجه چیست؟**

برخی از یافته‌های پژوهشی را در فصل‌نامه‌های مختلف پژوهشگاه چاپ کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهیم. علاوه بر این‌ها، ما نتایج بررسی‌های خود را در سایت پژوهشگاه نیز منتشر می‌کنیم. همچنین پس از اتمام هر پژوهش کمیته کاربست تشکیل می‌دهیم و بر اساس موضوع هر پژوهش انگوهای کاربست متفاوتی را به کار می‌گیریم. پس از اتمام هر پژوهش، نتایج حاصل از آن به بخش دی‌ریپت تحویل داده می‌شود و بخش مربوط در راستای نیاز خود از آن استفاده می‌نماید.



پژوهشگاه به جز پژوهش‌های میدانی که زمان‌بر است، پژوهش‌های دیگری به نام «پژوهش مروری»، «مطالعات تحلیلی»، «مطالعات رصدی» و «پژوهش‌های برخاسته از نشست‌های نخبگانی» نیز انجام می‌دهد. این پژوهش‌ها عموماً ظرف ۲ الی ۴ ماه به انجام می‌رسد. ما براساس نیاز آموزش و پرورش به نوع مطالعه و فوریت زمانی در مورد نوع پژوهش تصمیم‌گیری می‌کنیم.

علاوه بر این مطالعات، نوع دیگری به نام «مرور سریع» نیز وجود دارد که پژوهش در مورد پژوهش است و به فراخور موضوع از این روش استفاده می‌شود.

در مجموع پژوهشگاه با بکارگیری روش‌های گوناگون، سعی در پاسخ‌دهی هرچه بیشتر به نیازهای پژوهشی آموزش و پرورش دارد.

دستور ادغام پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی در سال ۸۹ اعلام شد و در سال ۹۰ این دستور عملی گشت. در آن زمان دولت وقت براین عقیده بود که دستگاه‌های پژوهشی وزارت‌خانه‌های مختلف به دانشگاه‌ها محول شوند و قرار براین بود که پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به دانشگاه علامه طباطبائی واگذار شود. ولی آموزش و پرورش تصمیم گرفت که پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش را دلیل مجموعه خود حفظ کند و چون دولت مصوبه‌ای مبنی براینکه دستگاه‌های اجرایی فقط به یک مؤسسه پژوهشی می‌توانند اجازه فعالیت بدهند، تصمیم براین شد که پژوهشگاه را با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ادغام نمایند. این درحالی است که این مصوبه را بسیاری از وزارتخانه‌ها اجرا نکردند. به‌طور مثال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا وزارت جهاد کشاورزی پژوهشگاه‌های خود را حفظ کردند و از ادغام آن جلوگیری نمودند. حتی برخی از پژوهشگاه‌ها هم چون «تحقیقات مسکن» که در گذشته ادغام یا منحل شده بودند در سه سال گذشته درخواست بازگشایی ارسال کردند و مجدداً شروع به کار نمودند. در این میان به آموزش و پرورش ظلم شد و استقلال تنها پژوهشگاه این وزارتخانه را سلب نمودند. بی‌شک ادغام برای هر دو طرف توأم با ضرر است. متأسفانه پست‌های اداری پژوهشگاه مطالعات از ۱۵۰ پست اداری به ۶۴ پست و گروه‌های پژوهشی از ۲۳ گروه به ۱۵ گروه تقلیل پیدا کرد. همچنین دو معاونت و یک حوزه ریاست پژوهشگاه حذف شدند. از طرف دیگر بسیاری از فعالیت‌های گذشته را که در دستور کار ما قرار داشت، در حال حاضر نمی‌توانیم به دلیل کمبود نیرو و کمبود بودجه انجام دهیم. اگرچه از سال ۹۰ تا به امروز نهایت تلاش خود را کردیم که با وجود سختی‌های بسیار برنامه‌های گذشته را ادامه دهیم و تا حد زیادی هم موفق شدیم.

ما زمانی که پژوهشگاه ادغام نشده بود در هر استان شورای تحقیقات استان داشتیم، هم‌چنین در هر استان گروه‌های تحقیق و پژوهش وجود داشت و کانون پژوهشی مفیدی در اختیار معلمان بودند. اما پس از ادغام، این کانون‌های پژوهشی نیز کم‌رنگ یا غیرفعال شدند.

**به نظر شما پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش در راستای وظایف و اهداف خود تا چه اندازه توانسته به ارتقای سطح آموزش و پرورش کمک کند؟**

- ① اولاً آموزش و پرورش بتواند به نحو شایسته مسأله‌شناسی پژوهشی انجام دهد.
- ② دوماً پژوهش‌های مناسب را به انجام برساند.
- ③ سوماً پژوهش‌ها را به بهترین شکل ارائه دهد.
- ④ چهارماً پژوهش‌ها به شایسته‌ترین صورت کاربست پیدا کند.

در موضوع پژوهش، پس از اینکه برنامه‌های زیر نظام پژوهش و ارزشیابی تصویب شد و توسط رئیس جمهور ابلاغ شد، وارد بخش جدیدی از عملیات پژوهشی شدیم. یکی از برنامه‌های پژوهشی استقرار پژوهشگاه است، از آنجا که ما وارد بخش عملیات جدیدی شدیم تنوع برنامه‌های پژوهشی در آن برنامه مشخص شده است:







## مرکز ترویج علوم انسانی

مباحثه با آقای مجتبی ولی پوری، رئیس اداره فرهنگی و هنری آموزش و پرورش شهر تهران، در خصوص فعالیت‌های این اداره

جناب آقای ولی پوری افتخار آشنایی با شما را در نشست نمایشگاه کتب تهران داشتیم لطفاً برای مخاطبان ما کمی از پیشینه معلمی خود بفرمایید:

سلام خدمت همه خوانندگان گرامی و آرزوی قبولی طاعات و عبادات. من کار خودم را از معلمی در روستاها و مناطق مختلف آغاز کردم: اعم از شمال‌شهر و جنوب‌شهر، مدارس دولتی و غیردولتی، شهر و روستا و...

حدود بیست و هشت سال سابقه کار دارم و چندسالی است که به عنوان «رئیس اداره فرهنگی-هنری آموزش و پرورش شهر تهران» مشغول فعالیت هستم و بیش از این به مدت یک سال مدیر روابط عمومی اداره بودم. به‌طورکلی در خصوص موضوع کتاب «والدین» می‌توان گفت: تمام مسائل مربوط به زندگی اجتماعی و فردی می‌تواند موضوع این کتاب باشد و موضوع اصلی کتاب «والدین» استحکام بنیان خانواده است: به عبارتی هر موضوعی که به تقویت نهاد خانواده کمک کند، می‌تواند موضوع مفیدی برای نویسنده باشد.

«تقویت نهاد خانواده» موضوعات بسیاری را شامل می‌شود، از جمله: موفقیت دانش‌آموزان، مسائل ذهنی و روانی فرزندان، تاب‌آوری اجتماعی فرزندان، مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی، بلوغ فرزندان، چگونگی برقراری ارتباط سالم و سازنده و... ولی چنانچه بخواهد رضایت حداکثری مخاطبان را جلب نماید بهتر است که شناخت کافی از مسائل تربیتی خانواده پیدا کند. مسائل اجتماعی یکی از درون‌مایه‌های کتاب «والدین» است که انتظار می‌رود توجه بیشتری به آن مبذول گردد. به طوری‌که در روزهای اخیر که سیل زندگی بسیاری از خانواده‌ها را تحت تأثیر قرارداد است، ضرورت نوشتن کتابی برای والدین در خصوص سیل ویلایای طبیعی احساس می‌شود. ضرورت تألیف این قسم کتاب‌ها برای والدین این است که خانواده‌ها در چنین شرایطی از تربیت فرزندان خود غافل نشوند و به حوادث ویلایای پیش‌آمده به چشم یک تجربه سخت ولی ارزشمند برای فرزندان بنگرند.

این اداره برای افزایش میزان فعالیت‌های هنری برای دانش‌آموزان چه تدابیری اندیشیده است؟ آیا این فعالیت‌ها به مهارت‌آموزی که مورد توجه آموزش و پرورش است، گره خورده است؟

هدف ما مهارت‌های زندگی نیست بلکه آموزش مهارت‌های دست‌ورزی است. به طور مثال در کارگاه جرم‌دوزی به دانش‌آموزان مهارت دوختن سرکلیدی و... را آموزش می‌دهیم و در همان اردو دست به تولید آن می‌زنند و با خود هم به خانه می‌برند یا طرز کاشت تراریوم را در همان سفر می‌آموزند و در پایان سفر با خود می‌برند. همچنین ما در تلاشیم که در یکی از کانون‌ها، نمایشگاه و فروشگاه تولیدات دانش‌آموزان را برقرار کنیم تا عموم مردم علاوه بر بازدید از آثار دانش‌آموزان، خرید هم داشته باشند.

چناب ولی پوری، شما ریاست اداره فرهنگی و هنری آموزش و پرورش شهر تهران را برعهده دارید، بفرمایید در این اداره چه میزان به فرهنگ عمومی بین دانش‌آموزان توجه شده است؟

از اسم این اداره مشخص است، اداره فرهنگی-هنری و اردوهای پرورش، بر همین اساس با ارکان‌های بسیاری درارتباط هستیم. اداره ما وظایف بسیار گسترده‌ای دارد، یکی از برنامه‌ها برگزاری اردوها و مسابقات فرهنگی-هنری است که در سطح مدارس برگزار می‌شود ولی متأسفانه ما در مدارس کشور کاری برای رشد استعدادهای دانش‌آموزان نمی‌کنیم و خود دانش‌آموزان، کلاس‌ها را بدون حمایت ما می‌گذرانند. به‌طورمثال، ما کلاس هنرهای اولیه داریم ولی در مدارس اجازه فعالیت در حوزه موسیقی نداریم، از همین رو افراد علاقه‌مند خارج از مدرسه آموزش می‌بینند و چه بهتر است که برنامه‌ریزی‌های لازم صورت بگیرد تا ما خودمان در مدارس به تربیت استعدادهای دانش‌آموزان بپردازیم. این دانش‌آموزان خارج از مدرسه آموزش‌های هنری لازم را می‌بینند و در مسابقات ما شرکت می‌کنند و وقتی در مسابقات به پیروزی می‌رسند افتخارشان تصیب می‌شود درحالی‌که این امر از اساس اشتباه است. ما باید سعی کنیم فراگیری این آموزش‌ها را به مدرسه بیاوریم.

ما در تهران ۲۳ کانون فرهنگی-تربیتی داریم که مأمور خوبی برای دانش‌آموزان است، کانون‌ها هم امنیت دارند و هم کم‌هزینه هستند، حال در هر یک از کانون‌ها ۲۲ انجمن تعریف شده‌اند هم‌چون، گردشگری، مهندسی، اردوها، هنرهای نمایشی، اولیه و... هم‌چنین درصددیم دانش‌آموزانی که در مسابقات فرهنگی-هنری شرکت کرده‌اند را به سمت این کانون‌ها سوق دهیم، چون نمی‌خواهیم چنین دانش‌آموزان مستعدی رها شوند و هوش و مهارت آنان زایل شود. این افراد در سال‌های بعد نه تنها برای ما پیروزی کسب می‌کنند، بلکه خودشان نیز به واسطه فعالیت در کانون، مهارت‌ها و استعدادهای خود را پرورش می‌دهند.

حتی بسیاری از هنرمندان، مجریان و افراد موفق در کانون‌های ما رشد کرده‌اند و توانایی خود را ارتقا داده‌اند، این افراد هم‌چنان به کانون‌های ما سر می‌زنند و بیگیر فعالیت‌های آن هستند. فعالیت‌ها و برنامه‌های مفید و کاربردی بسیاری داریم که متأسفانه در طول این مدت هیچ‌یک از خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها برای پوشش‌دهی خبر و گزارش آن به ما مراجعه نکردند و خانواده‌ها و دانش‌آموزان را در جریان آن قرار ندادند. ما مراسمات بسیاری در راستای سند تحول بنیادین برگزار کرده‌ایم ولی هیچ‌کس اخبار آن را پوشش نداده است.

ما در سطح کشور ۱۲۰ هزار و در تهران ۴۰۰۰ مدرسه داریم ولی فعالیت‌های خوب و متنوع مدارس مورد توجه قرار نمی‌گیرد اما درمقابل کافی است که چند مدرسه معدود از قوانین تخطی کنند،

تخطی آن مدارس درحقیقت رسانه‌ها خبرساز می‌شود. رسانه‌های ما باعث شده‌اند که «خطا و اشتباه» را شایع کنند: در جریان آهنگ‌خوانی دانش‌آموزان در مدرسه، خیلی از مدارس از این اتفاق بی‌خبر بودند ولی رسانه‌ها خبر آن را درسطح وسیع و اغراق‌آمیزی منتشر کردند تا آنجا که مدارس بی‌خبر نیز از این مسأله آگاه شدند و به این جریان پیوستند. پس از خبرساز شدن این اتفاق، آمار ناآلود این آهنگ به ۴۰ میلیون رسید. رسانه‌ها با انتشار افراطی این خبر، درحقیقت به تبلیغ آن آهنگ پرداختند. ما متأسفانه از روش‌های تبلیغ آگاه نیستیم و از این موقع متضرر شده‌ایم.

حدود بیست سال پیش در توار کاست سرودهای «آوای مدرسه» را می‌شنیدیم و برای ما از آن زمان تاکنون جذاب و شیرین بوده است. ولی چنین سرودهایی برای دانش‌آموزان نسل حاضر جذاب نیستند، پس ضروری است که برای آن‌ها متناسب یا سند تحول بنیادین، سلیقه دانش‌آموزان و معیارهای عصر حاضر محتوای خلاق و زیبا تولید شود. البته ما مقدمات چنین اقدامی را مهیا ساخته‌ایم و دراین حوزه از صاحبان امر و متخصصان حوزه استفاده نمودهایم.

از والدین دلسوز می‌خواهیم که برای رشد و پرورش استعدادهای فرزندان خود به کانون‌های ما مراجعه کنند و درانجمن‌های مربوطه فرزندان‌شان را ثبت‌نام کنند. در تابستان امسال ۲۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان را به اردوهای متمرکز فراقتی (رامسر) می‌بریم. در این اردوها کلاس‌های آموزشی متناسب با نیاز دانش‌آموزان برگزار می‌گردد: کلاس ترابوم یکی از این کلاس‌هاست که برای تقویت هوش طبیعی آن‌ها و انس یا طبیعت درنظر گرفته شده است. هم‌چنین چند اردوی یک روزه در تهران درنظر گرفته‌ایم که مدت این برنامه از صبح تا غروب می‌باشد و در طول این مدت چندین کلاس ورزشی و مهارتی برای دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی و دوره اول متوسطه تشکیل می‌گردد. علاوه بر این تعدادی اردوی چهارروزه برای دانش‌آموزان دختر دوره اول و دوم متوسطه سیل‌زده ترتیب داده‌ایم. چرا که در حال حاضر گروه دختران بیش از پسران نیازمند حمایت برای بازیابی سلامت روان خود می‌باشند. این دانش‌آموزان در دو گروه از لرستان به تهران-خوابگاه‌های شهید چمران آورده می‌شوند. ما در تهران بیش از هفتصد پایگاه تابستانی داریم که کار خود را از هفته دوم تیرماه به مدت هفت هفته آغاز می‌کنند و کلاس‌های مختلف برگزار می‌کنند. سازمان دانش‌آموزی، بسیج و...

نیز حضور دارند و در این ایام برنامه‌های خود را تشکیل می‌دهند. یکی دیگر از برنامه‌های اداره فرهنگی-هنری، همکاری با بسیج برای اجرای طرح هجرت ۳ است که طی آن دانش‌آموزان، مدارس و کلاس‌های درس خود را رنگ‌آمیزی و بازسازی می‌کنند: حتی درنظر داریم که تعدادی از دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه را به مناطق سیل‌زده برای تعمیر مدارس آن مناطق اعزام کنیم.

نحوه ارتباط خانواده‌ها و دانش‌آموزان با شما چگونه است و چطور می‌توانند از برنامه‌های اداره فرهنگی-هنری مطلع شوند؟

متأسفانه اطلاع‌رسانی فقط در سطح مدارس است. برخی از کانون‌ها مانند کانون متفکر، قدس، مطهری و... شناخته‌شده‌تر هستند ولی برخی دیگر ناشناخته مانده‌اند و حتی مدارس نیز از وجود آن بی‌خبرند. خانواده‌ها جهت کسب اطلاع از برنامه‌های ما می‌توانند به صورت حضوری پرس و جو کنند و یا از طریق «شبه‌نامه اوقات فراغت» که برای هر مدرسه ارسال شده است در جریان برنامه‌های کانون‌های مختلف در سطح شهر قرار بگیرند.

آیا شما پایگاه اطلاع‌رسانی مجازی دارید؟ خیر، اطلاعیه‌های ما صرفاً در سایت آموزش و پرورش موجود است و نیاز است که ما اطلاعیه‌های خود را افزایش

دهیم. به‌طورکلی آموزش و پرورش در پوشش‌دهی و اطلاع‌رسانی اخبار برنامه‌های گسترده خود کم‌کاری می‌کند و باوجود آنکه فعالیت‌ها و برنامه‌های بسیاری به انجام رسیده ولی آن‌ها را به اطلاع عموم نرسانده است. که این از ضعف ماست.





## خواستن توانستن است.



نخستین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۶۶ نمایشگاه بین‌المللی تهران و (در انتهای بزرگراه چمران) برپا شد و تا سال ۱۳۸۵ برگزاری آن در همین مکان ادامه پیدا کرد. از سال ۸۶ نمایشگاه کتاب در مصلی امام خمینی تهران برگزار شد و در سال ۹۵ محل برگزاری به مجموعه نمایشگاهی شهر آفتاب در جنوب شهر تغییر پیدا کرد و دوباره از سال ۹۶ به مصلی امام خمینی (ره) منتقل شد. سی‌ودومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۴ تا ۱۴ اردیبهشت ۹۸ در مصلی امام خمینی (ره) برگزار گردید و علی‌رغم پیش‌بینی‌های انجام گرفته با استقبال چشمگیر کتاب دوستان و کتاب خوانان مواجه شد.

دعوت از سفیر کرباسی برای حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران  
انضای تقاضنامه تبادل کتاب بین ایران و یونان با حضور رایزن اول و کاردار مکتوبات یونان  
دیدار سفیر زاین در ایران با رئیس سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران



افزایش ۱۱ درصدی تراکش‌ها  
افزایش ۲۵ درصدی آمار فروش

۷۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان فروش کتاب



۵ بخش نمایشگاه  
دانشگاهی ۴۲۸ ناشر  
آموزشی ۹۷ ناشر  
کودک ۲۵۱ ناشر  
عمومی ۹۸۸ ناشر

دیجیتال



۲۴۰۰ ناشر  
۲۰۰/۰۰۰ عنوان کتاب فارسی  
۱۴۰/۰۰۰ عنوان کتاب غیر فارسی  
سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران





